

وزارت معارف

دری

صنف سوم





سال: ۱۳۹۸ هـ.ش.

دری صنف سوم













سرود ملی

دا وطن افغانستان دی
کور د سولې کور د تورې
دا وطن د ټولو کور دی
د پښتون او هزاره وو
ورسره عرب، گوجر دي
براهوي دي، قزلباش دي
دا هیواد به تل ځلیږي
په سینه کې د آسیا به
نوم د حق مو دی رهبر

دا عزت د هر افغان دی
هر بچی یې قهرمان دی
د بلوڅو د ازبکو
د ترکمنو د تاجکو
پامیریان، نورستانیان
هم ایماق، هم پشه یان
لکه لمر پر شنه آسمان
لکه زړه وي جاویدان
وایو الله اکبر وایو الله اکبر

بسم الله الرحمن الرحیم



وزارت معارف

دری

صنف سوم

سال: ۱۳۹۸ هـ . ش.

مشخصات کتاب

مضمون: دری

مؤلفان: گروه مؤلفان کتاب‌های درسی دیپارتمنت زبان و ادبیات دری

ویراستاران: اعضای دیپارتمنت ویرایش (ایدیت) زبان و ادبیات دری

صنف: سوم

زبان متن: دری

انکشاف دهنده: ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف کتب درسی

ناشر: ریاست ارتباط و آگاهی عامهٔ وزارت معارف

سال چاپ: ۱۳۹۸ هجری شمسی

مکان چاپ: کابل

چاپ‌خانه:

ایمیل آدرس: curriculum@moe.gov.af

این کتاب با همکاری و حمایت پروژهٔ (اطفال افغان می‌خوانند) تدوین گردیده است.

پیام وزیر معارف

اقرأ باسم ربک

سپاس و حمد بیکران آفریدگار یکتایی را که بر ما هستی بخشید و ما را از نعمت بزرگ خواندن و نوشتن برخوردار ساخت، و درود بی‌پایان بر رسول خاتم- حضرت محمد مصطفی ﷺ که نخستین پیام الهی بر ایشان «خواندن» است.

چنانچه بر همه‌گان هویداست، سال ۱۳۹۷ خورشیدی، به نام سال معارف مسمی گردید. بدین ملحوظ نظام تعلیم و تربیت در کشور عزیز ما شاهد تحولات و تغییرات بنیادینی در عرصه‌های مختلف خواهد بود؛ معلم، متعلم، کتاب، مکتب، اداره و شوراهای والدین، از عناصر شش‌گانه و اساسی نظام معارف افغانستان به شمار می‌روند که در توسعه و انکشاف آموزش و پرورش کشور نقش مهمی را ایفا می‌نمایند. در چنین برهه سرنوشت‌ساز، رهبری و خانوادهٔ بزرگ معارف افغانستان، متعهد به ایجاد تحول بنیادی در روند رشد و توسعه نظام معاصر تعلیم و تربیت کشور می‌باشد.

از همین‌رو، اصلاح و انکشاف نصاب تعلیمی از اولویت‌های مهم وزارت معارف پنداشته می‌شود. در همین راستا، توجه به کیفیت، محتوا و فرایند توزیع کتاب‌های درسی در مکاتب، مدارس و سایر نهادهای تعلیمی دولتی و خصوصی در صدر برنامه‌های وزارت معارف قرار دارد. ما باور داریم، بدون داشتن کتاب درسی باکیفیت، به اهداف پایدار تعلیمی در کشور دست نخواهیم یافت.

برای دستیابی به اهداف ذکرشده و نیل به یک نظام آموزشی کارآمد، از آموزگاران و مدرسان دلسوز و مدیران فرهیخته به‌عنوان تربیت کننده‌گان نسل آینده، در سراسر کشور احترامانه تقاضا می‌گردد تا در روند آموزش این کتاب درسی و انتقال محتوای آن به فرزندان عزیز ما، از هر نوع تلاشی دریغ نورزیده و در تربیت و پرورش نسل فعال و آگاه با ارزش‌های دینی، ملی و تفکر انتقادی بکوشند. هر روز علاوه بر تجدید تعهد و حس مسؤولیت پذیری، با این نیت تدریس راآغاز کنند، که در آیندهٔ نزدیک شاگردان عزیز، شهروندان مؤثر، متمدن و معماران افغانستان توسعه یافته و شکوفا خواهند شد.

همچنین از دانش آموزان خوب و دوست داشتنی به مثابه ارزشمندترین سرمایه‌های فردای کشور می‌خواهم تا از فرصت‌ها غافل نبوده و در کمال ادب، احترام و البته کنجکاوی علمی از درس معلمان گرامی استفادهٔ بهتر کنند و خوشه چین دانش و علم استادان گرامی خود باشند.

در پایان، از تمام کارشناسان آموزشی، دانشمندان تعلیم و تربیت و همکاران فنی بخش نصاب تعلیمی کشور که در تهیه و تدوین این کتاب درسی مجدانه شبانه روز تلاش نمودند، ابراز قدردانی کرده و از بارگاه الهی برای آن‌ها در این راه مقدس و انسان‌ساز موفقیت استدعا دارم.

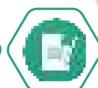
با آرزوی دستیابی به یک نظام معارف معیاری و توسعه یافته، و نیل به یک افغانستان آباد و مترقی دارای شهروندان آزاد، آگاه و مرفه.

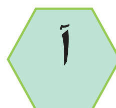
دکتور محمد میرویس بلخی

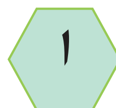
وزیر معارف

فهرست

حرف‌ها و کلمه‌ها





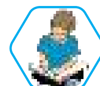








آفتاب انگور بادام پیاله تربوز ثریا




توانا آفریننده موجودات

خداوند توانا

خداوند توانا، آفرینندهٔ ما و تمام موجودات می‌باشد.



او یکتا است. شریک و مانند ندارد.

گاهی فکر کرده‌اید که چگونه می‌توانیم خداوند ﷻ را بهتر بشناسیم؟

برای شناخت بهتر خداوند ﷻ، باید به بزرگی آسمان‌ها و زمین دقت کنیم.

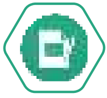
به زیبایی گل‌ها، سبزه‌ها و درختان نگاه کنیم.

به حرکتِ آفتاب، مهتاب و ستاره‌ها توجه کنیم.

به خود دقت کنیم که به ما عقل و هوش داده است.

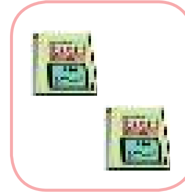
با توجه به آنچه گفته شد، درک می‌کنیم که خداوند ﷻ چقدر بزرگ و توانا است.

پس می‌توانیم خداوند ﷻ را با دیدن زیبایی‌های طبیعت و اطراف‌مان بهتر بشناسیم.

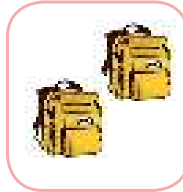
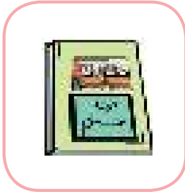


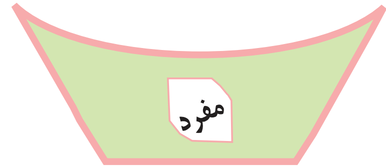
کلمه‌های تصویری

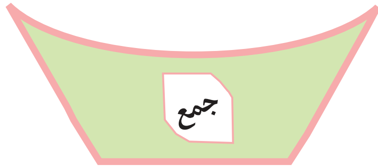


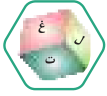










ذخیرهٔ لغت‌ها



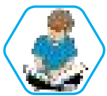
بکس مکتب

کتابچه
____
____
____
____

کتابچه
چوکی
قلم‌تراش
کتاب‌دار
میز
پنسل‌پاک
مدیر
قلم رنگه
الماری
پنسل

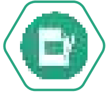
کتاب‌خانه

میز
____
____
____
____



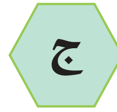
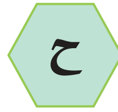
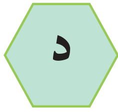
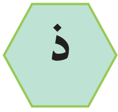
خوانش دوبارهٔ متن اول





حرف‌ها و کلمه‌ها



ج	چ	ح	خ	د	ذ
جمیل	چتری	حامد	خربوزه	دوا	ذاکر

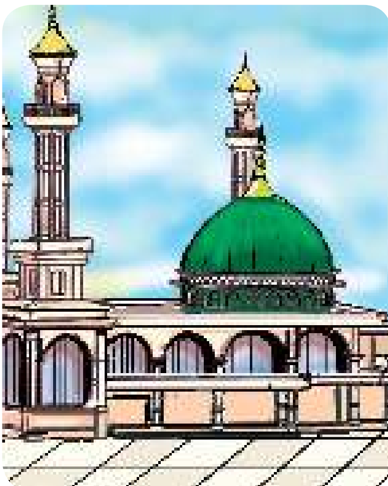


پیامبر — پیرو — صداقت

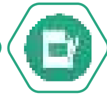


پیامبر ما

حضرت محمد ﷺ آخرین پیامبر خداوند ﷻ است.
قرآنِ کریم بر او نازل شده است. او مرد امانت‌دار، راستگو و درست‌کار بود. کودکان را دوست داشت و بزرگان را احترام می‌کرد.
حضرت محمد ﷺ با همه، رفتار نیک داشت.
او با رفتار و کردارش، راهِ بهترِ زنده‌گی را به ما آموخت.
بیایید فکر کنیم، چگونه می‌توانیم پیروِ خوبِ حضرتِ محمد ﷺ باشیم؟
بلی! خدای یگانه را عبادت کنیم.



در زنده‌گی امانت‌دار، راستگو و درست‌کار باشیم.
به بزرگان احترام کنیم.
کارهای خود را با صداقت و علاقه‌مندی انجام دهیم.
پس برای این‌که از پیروانِ خوبِ حضرتِ محمد ﷺ باشیم، باید مانندِ او رفتار کنیم.

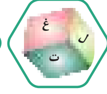


جمله‌ها





۱. خداوند جَلَّ جَلالُه شریک و مانند ندارد ـ
۲. آخرین پیامبر کی است ؟
۳. من هر روز درس می‌خوانم ــ
۴. چرا هر روز ورزش می‌کنید ــ
۵. ما در روزهای رخصتی به تفریح می‌رویم ــ



ذخیرهٔ لغت‌ها

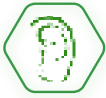


صنف		میدان‌بازی
معلم	معلم	توپ
	چمن	
	تخته	
	کتاب	
	تباشیر	
	توپ	
	لباس ورزشی	
	سبزه	
	چوکی	
	جال	



خوانش دوبارهٔ متن دوم






گوش دادن و صحبت کردن



رشد ذهنی: گوش‌دادن فعال



- رو به رو بودن
- داشتن تماس چشمی
- خاموش بودن
- تأیید کردن
- سوال کردن
- گوش دادن






نوشتن ابتکاری

چگونه می‌توانیم به صحبت‌های دیگران با دقت گوش دهیم؟

با کسی‌که صحبت می‌کنیم، باید به او نگاه کنیم و با دقت توجه کنیم.

وقتی‌که کسی صحبت می‌کند به او باید توجه کنیم و صحبت‌های او را با دقت بشنویم.

در صحبت‌های دیگران مداخله نکنیم.

نگاه
نوبت
قطع

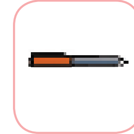


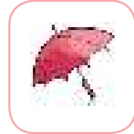

خوانش دوبارهٔ متن ۱-۲

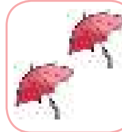
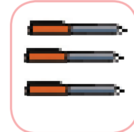
کلمه‌ها و جمله‌ها

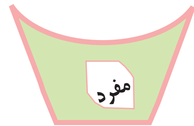


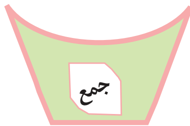
الف









ب

۱. مکتب‌ما گل‌های رنگارنگ دارد.ـ
۲. روزهای رخصتی کجا می‌روید ؟
۳. من کتاب می‌خوانم___
۴. کدام کتاب‌ها را در صنف سوم می‌خوانید___
۵. من به معلم خود احترام دارم___

ج

کلمه‌ها	کلمه‌ها
تباشیر	کتاب‌خانه
کتاب	توپ
شاگرد	صنف
میدان بازی	تخته

خوانش دوبارهٔ متن ۱-۲









املا



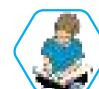




حرف‌ها و کلمه‌ها



ر	ز	ژ	س	ش
روزه	زکات	ژاله	سیب	شمع، کوشش

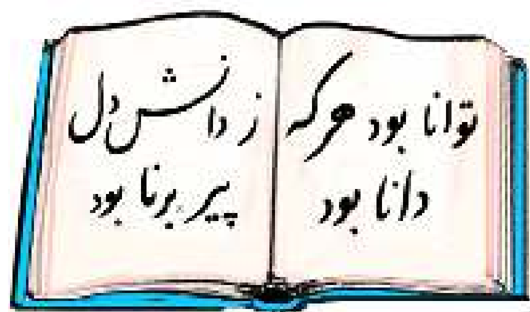


مطالعه | علم | سعادت‌مند



بیایید علم بیاموزیم

آموختن علم، برای هر انسان ضروری می‌باشد. ما چگونه می‌توانیم علم بیاموزیم؟



برای آموختن علم به مکتب برویم. با هم‌صنفان خود یکجا درس بخوانیم.

برای مطالعه به کتاب‌خانه برویم.

از خواندن کتاب‌ها، داستان‌ها، مجله‌ها و روزنامه‌ها علم می‌آموزیم.

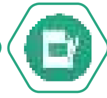
در درس‌های خود کوشش کنیم.

به سخنان معلم و بزرگان گوش دهیم.

با علاقه‌مندی در خانه و مکتب درس بخوانیم تا در آینده انسان دانا و سعادت‌مند باشیم.

اگر در درس‌ها مشکل داشتیم، از معلم خود و بزرگان بپرسیم.

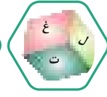
پس اگر منظم به مکتب برویم، درس بخوانیم، با یک‌دیگر کمک کنیم، می‌توانیم بهتر علم بیاموزیم.



کلمه‌ها



۱.	کتاب‌ها	پنسل‌ها	معلم	بزرگان
۲.	قلم‌ها	داستان‌ها	باغ‌ها	شاگرد
۳.	میز	چوکی‌ها	پرنده‌گان	دختران
۴.	درخت‌ها	گل	معلمان	درس‌ها
۵.	دست‌ها	چشم‌ها	عینک	پِسران
۶.	مکتب	بکس‌ها	پشک‌ها	خانه‌ها



ذخیرهٔ لغت‌ها

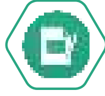


الف	ب
کتاب	شاگرد
پنسل	ورزش
دَوِش	پنسل‌تراش
بکس	قلم
کاغذ	کتاب‌خانه



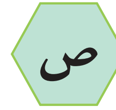
خوانش دوبارهٔ متن اول





حرف‌ها و کلمه‌ها

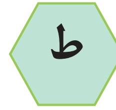




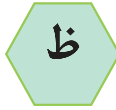
صادق



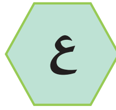
ضیا



طوطی



ظرف



علم



غُچی



سالم | منظم | موفقیت



مطالعه

مطالعه ذهنِ انسان را روشن می‌کند. دانش و ذخیرهٔ لغت‌ها را بیشتر می‌سازد. مطالعه مصروفیتِ سالم بوده، سببِ رشدِ ذهن می‌شود.

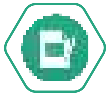


چگونه می‌توانیم مطالعه کنیم؟ باید مطالعهٔ منظم و دقیق داشته باشیم.

در تقسیم‌اوقاتِ روزانهٔ خود برای مطالعه وقت را در نظر بگیریم. می‌توانیم نیم‌ساعت از طرفِ صبح و نیم‌ساعت از طرفِ پیشین مطالعه کنیم.

هنگامِ مطالعه، کلمه‌های مشکل را در کتابچه، یادداشت کنیم. معنایَ آن‌را، از معلم و یا یکی از بزرگان خانواده بپرسیم.

پس می‌توان گفت: عادت به مطالعه، ما را به فراگیری دانش، کمک می‌کند و به موفقیتِ بیشتر می‌رسانَد.

جمله‌ها



۱. من برای مطالعه به کتاب‌خانه می‌روم.

۲. چرا آموختن علم ضروری است؟

۳. مژده با صدای بلند درس می‌خواند_

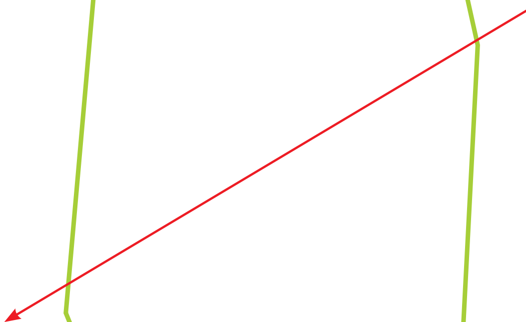
۴. آیا شما صبحانه خورده‌اید_

۵. ما باید در حفظ و نگهداری نهال‌ها بکوشیم_



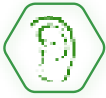

ذخیرهٔ لغت‌ها

الف	ب
قلم رنگه	میوه
انگور	صنف
میز	مکتب
سرمعلم	تخته
تخته‌پاک	رسامی






خوانش دوبارهٔ متن دوم

گوش دادن و صحبت کردن



رشد ذهنی: توجه کردن





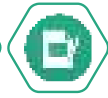

نوشتن ابتکاری

شما چگونه به کارها توجه می‌کنید؟
در وقت درس خواندن، آرام می‌باشیم.
____
____
من در وقت درس خواندن، انگشت خود را زیر خط می‌گذارم.
____

نفس‌عمیق
توجه
جای مناسب




خوانش دوبارهٔ متن ۱-۲



کلمه‌ها و جمله‌ها



الف

کتاب	دست‌ها	قلم
میز	گل	باغ‌ها
انگشتان	ساعت	چشم

ب

۱. کتاب‌های خود را پاک نگهداریم.
۲. عنوان درس گذشته چه بود؟
۳. من رسامی را دوست دارم ــــ
۴. در کجا توپ‌بازی می‌کنید ــــ
۵. من در صنف سوم درس می‌خوانم ــــ

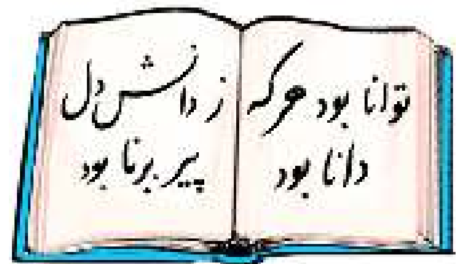
ج

الف	ب
درس خواندن	معلم
میدان بازی	توپ
درس‌دادن	شاگرد
صنف	تخته



خوانش دوبارهٔ متن ۱-۲



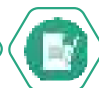






املا







حرف‌ها و کلمه‌ها

ف	ق	ک	گ
فرض	قلم، دقیق	کمک، کتاب	گل



مهربان | کامیاب | احترام



هم‌صنفی من

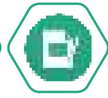


صنف خانهٔ مشترک ما است. همان‌گونه که در خانه آداب اجتماعی را رعایت می‌کنیم، در صنف نیز رعایت کنیم.

چگونه می‌توانیم هم‌صنفی خوب باشیم؟

ما باید به هم‌صنفان خود احترام داشته باشیم. در درس‌ها با یک‌دیگر کمک کنیم. به سخنان هم‌صنفان خود دقیق گوش بدهیم. به هم‌دیگر مزاحمت نکنیم. قلم، کتاب و کتابچهٔ یک‌دیگر را بدون اجازه نگیریم. با هم مهربان و صمیمی باشیم.

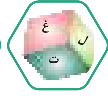
اگر ما هم‌دیگر را در درس‌ها کمک کنیم، بهتر می‌آموزیم. در زنده‌گی کامیاب و سعادت‌مند می‌شویم. پس ما باید هم‌دیگر را احترام نموده و حمایت کنیم تا هم‌صنفی خوب باشیم.



کلمه‌ها



مفرد	جمع
مکتب	کتاب‌ها
شاگرد	معلمان
معلم	شاگردان
کتاب	کشورها
کشور	مکتب‌ها



ذخیرهٔ لغت‌ها

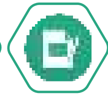


۱.	دهقان	قلم	کتاب	هم‌صنفان
۲.	خط‌کش	پنسل‌پاک	تباشیر	شفاخانه
۳.	چوکی	میز	تخته‌پاک	کلکین
۴.	قلم	کتابچه	ستاره	معلم
۵.	تخته	گل	پنسل‌تراش	تخته‌پاک
۶.	گیلاس	کتاب‌خانه	کتاب‌دار	کتاب‌خوان



خوانش دوبارهٔ متن اول





حرف‌ها و کلمه‌ها



ل	م	ن	و	هـ	ی
لبلبو	مریم	نماز	وارث	هارون	یاسین



دانا | عزت | موفق

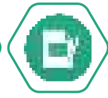


کتاب

من کتابم خوش کلام و خوش بیان
می‌دهم هردم هزاران پند تان
ذهن تان را روشن و دانا کنم
قلب تان را گلشن دنیا کنم
نام تان را عزت و شَأن می‌دهم
هر چه در دل داشته اید آن می‌دهم
من شما را درس دانایی دهم
بر دو چشم بسته بینایی دهم



هر طرف با من روید شاد می‌شوید
در سخن گفتن، استاد می‌شوید
هر که با من دوست باشد، موفق است
در دو عالم کامیاب و برحق است
گرهمی خواهید که باشید نیک‌نام
دوست من باشید عزیزان وسلام



جمله‌ها





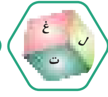
۱. من در صنف سوم درس می‌خوانم.

۲. چرا به مکتب می‌رویم؟

۳. مکتب ما آب صحی دارد_

۴. به خواندن کدام مضمون علاقه دارید_

۵. من هر روز ورزش می‌کنم_



ذخیرهٔ لغت‌ها

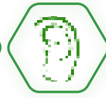


۱.	امانت‌دار	صادق	نقل کردن	راستکار
۲.	درخت	مجله	کتاب	مطالعه
۳.	شاگرد	قلم	اره	پنسل‌پاک
۴.	خط‌کش	قلم رنگه	کتابچه	جاروب
۵.	باغ	گل	آب	تخته
۶.	میوه	کاغذ	ناک	سیب



خوانش دوبارهٔ متن دوم





گوش دادن و صحبت کردن





رشد ذهنی: کنترل رفتار خودی











نوشتن ابتکاری



چرا باید رفتار خود را کنترول کنیم؟

ما رفتار خود را کنترول می‌کنیم تا در درس‌ها و فعالیت‌ها خوبتر سهم گرفته بتوانیم.

____

____

____

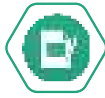
____

بازی
کمک
توجه
کامیاب



خوانش دوبارهٔ متن ۱-۲





کلمه‌ها و جمله‌ها



الف

مفرد	جمع
عزیز	چشم‌ها
چشم	آسمان ها
آسمان	عزیزان

ب

۱. آفتاب و مهتاب را کی پیدا کرده است ؟
۲. در درس‌های خود کوشا باشیم___
۳. با هم‌صنفان خود چگونه رفتار داشته باشیم___
۴. بهترین دوست‌ما کتاب است ___
۵. مکتب شما چه وقت شروع می‌شود___

ج

۱.مدیر	سرمعلم	نجار	معلم
۲.مکتب	پولیس ترافیک	کتاب‌خانه	صنف
۳. رنگه	رسم	کوه	قلم



خوانش دوبارهٔ متن ۱-۲



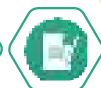






املا





حرف‌ها و کلمه‌ها



ت	کتاب	نبات	تباشیر
ط	مربوط	خطاط	طاهره



جنگل | دوستان | تلاش



فیل تنها

خانوادهٔ فیل، تازه به جنگلِ بزرگ آمده بود.

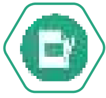
چوچهٔ فیل، خیلی تنها بود. جنگل برایش خوش‌آیند نبود. آن‌جا هیچ دوستی نداشت. روزی دید که خرگوش و شترمرغ باهم گپ می‌زنند.



به آن‌ها احترام کرد و گفت: من همسایهٔ شما استم. آن‌ها گفتند: همسایهٔ عزیز! خوش آمدی! چشم‌های فیلِ کوچک از خوشی برق زد و گفت: ما دوستان خوبی خواهیم بود و می‌توانیم هر روز فوتبال، بازی کنیم.

فردای آن روز، فیل تلاش کرد تا بهتر بازی کند.

تیم‌شان برنده شد. فیلِ کوچک دیگر تنها نبود. او همیشه با خرگوشِ سپید، شترمرغِ سیاه و زرافهٔ بزرگ، بازی می‌کرد.



کلمه‌ها



۱. شتر ← مرغ / ماهی

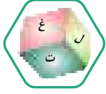
۲. شفا ← خانه / مکتب

۳. باغ ← قلم / وحش

۴. روز ← مجله / نامه

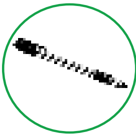
۵. چهار ← مغز / بادام

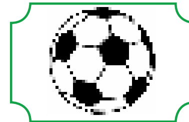
۶. گل ← ساعت / خانه

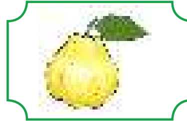


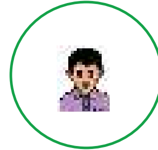
ذخیرهٔ لغت‌ها





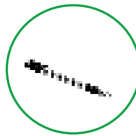


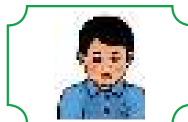


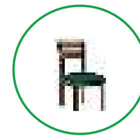












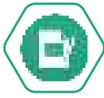




خوانش دوبارهٔ متن اول







حرف‌ها و کلمه‌ها

ث	س	ص
ثریا	ساره	صابره
غیاث	بکس	اخلاص





دره — نگران — سرعت

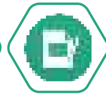
آهوگک و همسایه‌ها

آهوگک در درهٔ قشنگی زنده‌گی می‌کرد. روزی نزدِ دوستانش نیامد. موش‌خرما که همسایهٔ مهربان بود، نگران شد. به خانهٔ آهوگک رفت. دید که خانهٔ او را سیلاب ویران کرده و آهوگک به زمین اُفتاده است.



موش‌خرما بیشتر نگران شد. فکر می‌کرد آهوگک مرده است. با سرعت رفت و همسایه‌ها را صدا زد. آن‌ها آهوگک را برداشتند. کمی آب دادند.

آهوگک بهتر شد و گفت: سیل خانه‌ام را ویران کرد. چطور آبادش کنم؟ همسایه‌ها گفتند: آهوی عزیز! نگران مباش، همه باهم خانه‌ات را می‌سازیم. آهوگک، خوشحال شد که همسایه‌های خوب دارد و از آن‌ها سپاس‌گزاری کرد.



جمله‌ها



:

۱. فیل به آن‌ها احترام کرد و گفت: من همسایهٔ شما استم.

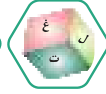
۲. آن‌ها گفتند همسایهٔ عزیز خوش آمدی.

۳. آهو گفت سیل، خانه‌ام را ویران کرد.

۴. همسایه‌ها گفتند آهوی عزیز! نگران مباش.

۵. عالم گفت امروز به سیر علمی می‌رویم.

۶. احمد گفت راست گفتن ثواب دارد.



ذخیرهٔ لغت‌ها

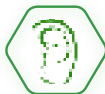


الف	ب
شب	سفید
سیاه	جنگ
تلخ	قهر
خوشحال	شیرین
صلح	روز



خوانش دوبارهٔ متن دوم

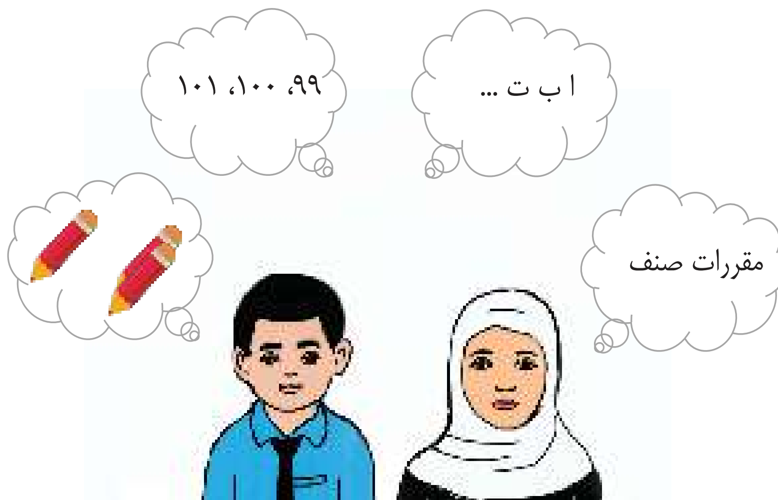


گوش دادن و صحبت کردن



رشد ذهنی: استفاده از حافظهٔ خود






نوشتن ابتکاری

جمیله و احمد می‌خواستند صدای هر حرف را تکرار کنند. ________________ جمیله صدای تمام حرف‌ها را به یاد داشت؛ اما احمد صدای بعضی از حرف‌ها را فراموش کرده بود. ________________ احمد صدای حرف‌های الفبا را آموخت. ________________	آغاز کوشش خوش




خوانش دوبارهٔ متن ۱-۲



کلمه‌ها جمله‌ها

الف

۱. آشپز
۲. گل
۳. دوا
۴. زرد

حویلی
خانه
دان
چوکی
دروازه
خانه
آلو
ساعت

ب

:

۱. معلم گفت: خاموش باشید.
۲. پدرم گفت با هم‌صنفان خود مهربان باش.
۳. فاطمه از مادرش پرسید خوردن میوه چه فایده دارد؟
۴. معلم ما گفت فردا روز مادر است.

ج

الف	ب
خنده	ویرانی
آبادی	روشن
سرد	گرم
تاریک	گریه





خوانش دوبارهٔ متن ۱-۲









املا



حرف‌ها و کلمه‌ها



ذ	ذاکر	کاغذ	ذاکره
ز	زهره	تربوز	زنبور



مانع — اذیت — توافق



هم‌دیگرپذیری

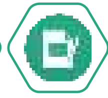
سنگ‌پشت و بقه با هم همسایه بودند. بقه تمامِ شب آواز می‌خواند.



سر و صدای او، همسایه‌ها را اذیت می‌کرد. سنگ‌پشت از این کارِ بقه ناراحت بود. او می‌خواست بخوابد؛ اما صدای بقه مانع خوابش می‌شد.

سنگ‌پشت به بقه گفت: شما هر شب همسایه‌ها را اذیت می‌کنید؛ اما بقه به حرفِ سنگ‌پشت توجه نکرد. ناگهان، مرغابی از راه رسید و به هر دو گفت: گفتگو مکنید. من شما را راهنمایی می‌کنم. به بقه گفت: سنگ‌پشت راست می‌گوید: سر و صدای تو همسایه‌ها را ناآرام می‌کند. تو باید کاری بکنی که باعث اذیت دیگران نشود.

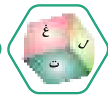
بقه گفت: راست می‌گویی. ما باید با هم توافق داشته، همدیگر را بپذیریم.



کلمه‌ها



۱.	مرغابی	مرغ	درخت	آبی
۲.		پنسل	مهمان	خانه
۳.		فیل	گوسفند	مرغ
۴.		میز	دوست	وطن
۵.		گُل	آسمان	آب



ذخیرهٔ لغت‌ها

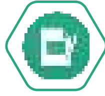


الف	ب
موفق	مشکل
کثیف	کامیاب
سخت	هوشیار
ذکی	ناپاک



خوانش دوبارهٔ متن اول

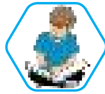




حرف‌ها و کلمه‌ها



ض	ضابط	ضرر	فیاض
ظ	ظاهره	ظرف	حافظ



ناگهان | پژمرده | ذخیره



نیکی

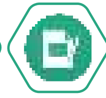


روزی خرگوشک خاکستری، طرف خانه روان بود. ناگهان صدای نالشی را شنید. او نزدیک رفت. دید که برگ‌های درختی از تشنه‌گی زیاد پژمرده شده است. خرگوشک گفت: من ترا کمک می‌کنم. خرگوشک از شادی و فیل‌مرغ خواست در آوردن آب او را کمک کنند.

آن‌ها طرف چاه دویدند. دیدند که چاه آب ندارد. خیلی غمگین شدند. ناگهان شادَی به یاد آورد که معلم گفته بود: «فیل با خرطومش آب ذخیره می‌تواند.» او گفت: بیایید از فیل کمک بخواهیم.

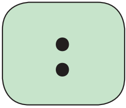
فیل با خرطومش از دریا، آب آورد و درخت را سیراب کرد. درخت، خوشحال شد و تشکر کرد.

چندی بعد که خرگوشک و دوستانش مکتب می‌رفتند، درخت برای‌شان سیب داد و گفت: این است میوهٔ نیکی.

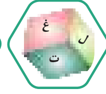


جمله‌ها





۱. معلم از شاگردان پرسید: از درس امروز چه آموختید؟
۲. شبنم از مژگان پرسید کدام میوه را خوش داری؟
۳. بقه گفت راست می‌گویی ما باید با هم توافق داشته باشیم.
۴. مادرم گفت خوردن عسل فایده دارد.
۵. معلم ما گفت باید با هم اتفاق داشته باشیم.
۶. پدرم گفت همیشه باید صادق باشیم.



ذخیرهٔ لغت‌ها



الف	ب
سودمند	آرام
راحت	بالا
پیر	سالخورده
بلند	رفیق
دوست	مفید



خوانش دوبارهٔ متن دوم





گوش دادن و صحبت کردن

رشد ذهنی: انجام دادن چندین فعالیت در یک وقت





نوشتن ابتکاری



جمیله و احمد، کلمه‌های متن را که حرف‌های «و» و «هـ» دارند، نشانی می‌کنند.

____

____

____

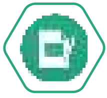
در اخیر، جمیله و احمد تمام کلمه‌هایی را که حرف‌های«و» و«هـ» دارند، نشانی کردند.

مشترک
کلمه‌ها
دقت



خوانش دوبارهٔ متن ۱-۲





کلمه‌ها و جمله‌ها



الف

۱.	مهمان‌خانه	مهمان اره خانه
۲.		برگ نو روز
۳.		گل چوب باغ

ب

:

۱. معلم ما گفت: فردا امتحان دارید.

۲. معلم ما گفت فردا به سیر علمی می‌رویم.

۳. برادرم از من پرسید کدام میوه را خوش داری؟

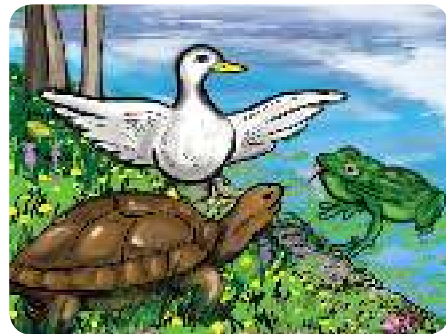
ج

الف	ب
شُجاع	مهربانی
شفقت	شروع
نا آرام	دلیر
آغاز	ناراحت



خوانش دوبارهٔ متن ۱-۲



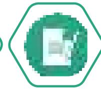






املا





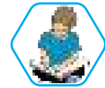
حرف‌ها و کلمه‌ها



ا ع

الماری یاسین سمیرا

علم معلم شمع



سمارق خطر پشیمان



بی‌احتیاطی

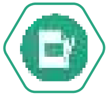


فصلِ بهار بود. همه حیوان‌های جنگل، مصروفِ کار بودند.

خرس رفت تا سمارُق جمع کند. چوچه‌اش را در خانه گذاشت.

چوچهٔ خرس با گوگرد، بازی می‌کرد. در این هنگام خارپشت و سنگ‌پشت از راه می‌گذشتند. دیدند که دروازهٔ خانهٔ خرس باز است. چوچهٔ خرس با گوگرد، بازی می‌کند. آن‌ها گفتند: با گوگرد، بازی مکن که خطر دارد. چوچهٔ خرس به گپ آن‌ها توجه نکرد و به بازی با گوگرد ادامه داد. ناگهان اتاق آتش گرفت. چوچهٔ خرس بیرون دوید و صدا زد. کمک! کمک! همه حیوان‌های جنگل آمدند و آتش را خاموش کردند.

چوچهٔ خرس از ترس می‌لرزید و از کارش پشیمان بود. او وعده داد که دیگر بی‌احتیاطی نمی‌کند.



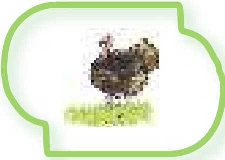
کلمه‌ها




باغ وحش


____


____


____


____


____


____


____



ذخیرهٔ لغت‌ها



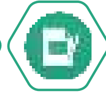
۱. دانا نادان
۲. صلح ________
۳. دوست ________
۴. صبح ________
۵. سفید ________

۶. توانا ________
۷. نزدیک ________
۸. جوان ________
۹. خوشحال ________
۱۰. سرد ________



خوانش دوبارهٔ متن اول

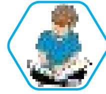




حرف‌ها و کلمه‌ها



ی	هـ	آ
سیمین	هارون	آسمان
نجاری	اره	خُرما



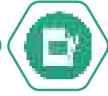
آسایش | اتحاد | همدردی



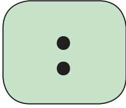
صلح



صلح، یعنی آشتی، آرامش است
جسم و جان از صلح در آسایش است
صلح، مهر و دوستی آرد به بار
اتحاد و همدلی آرد به بار
صلح، ما را درس خوشبختی دهد
درس اخلاق، دَرس همدردی دهد
صلَح ما را روشنایَی می‌دهد
از تعصب‌ها رَهایی می‌دهد
صلح، راه آرزو های سپید
بهترین رَاه رسیدن، بر امید
صلح، فصل شادی و شادابی است
نقطهٔ پایان هر ویرانی است
صلح لبخند لَب هر کودک است
مرهم درَد دل هر ملت است
صلح درمَانِ دلِ هر زنده‌جان
ضامنِ آیندَهٔ ما کودکان

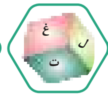



جمله‌ها



:

۱. مادر به فرزندش گفت: با گوگرد بازی مکن، خطر دارد.
۲. سهراب از معلم پرسید صلح یعنی چه؟
۳. سه شخص بالای ما حق بیشتر دارد مادر، پدر و استاد.
۴. فرید گفت امروز مسابقهٔ فوتبال داریم.
۵. پدرکلانم گفت حیوانات را آزار ندهید.
۶. حامد گفت آب دادن ثواب دارد.

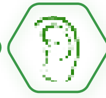



ذخیرهٔ لغت‌ها

۱. قوی	ضعیف	۶. چپ	______
۲. جدید	______	۷. گریه	______
۳. بلند	______	۸. زیبا	______
۴. زیاد	______	۹. شب	______
۵. شیرین	______	۱۰. بزرگ	______




خوانش دوبارهٔ متن دوم



گوش دادن و صحبت کردن





رشد ذهنی: تنظیم کردن معلومات











نوشتن ابتکاری



جمیله و شکیلا می‌خواستند برای عید آماده‌گی بگیرند.
آن‌ها لست اشیای مورد ضرورت خانه را به کمک
یک‌دیگر تهیه کردند.

____

____

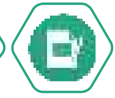
____

میوه
دکان
پول



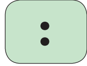
خوانش دوبارهٔ متن ۱-۲





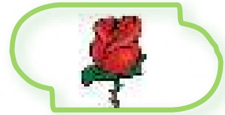
کلمه‌ها و جمله‌ها





:

الف



گلاب







ب

۱. فردین گفت: من با برادرم به تفریح می‌روم.

۲. داکتر گفت قبل از خوردن غذا دست‌های تان را بشویید.

۳. فریده از نرگس پرسید خوردن سبزی چه فایده دارد؟

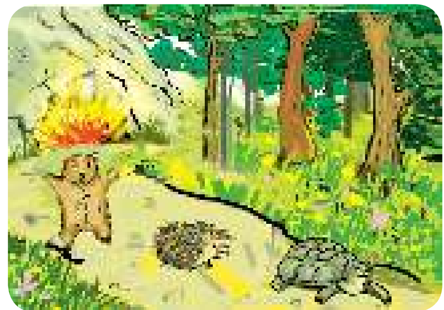
ج

۱. پیر	جوان
۲. بزرگ	________
۳. خشک	________
۴. تاریک	________



خوانش دوبارهٔ متن ۱-۲



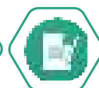






املا





حرف‌ها



آ	ا	ب	پ	ت	ث	ج	چ
ح	خ	د	ذ	ت	ط	ث	س
ص	ر	ز	ژ	ص	ض	ط	ظ



رعایت | مسؤول | تحویل



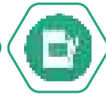
کتاب‌خانه



کتاب‌خانه جای مناسب و آرام برای مطالعه است. چگونه می‌توانیم از کتاب‌خانه استفادهٔ درست نماییم؟ برای این‌که از کتاب‌خانه استفادهٔ درست کنیم، باید: آهسته صحبت نماییم. نظافتِ داخلِ کتاب‌خانه را رعایت کنیم. کتاب‌ها را پاره نکنیم. هنگامِ مطالعه به دیگران مزاحمت نکنیم. نکته‌های موردِ نیاز را یادداشت کنیم. بعد از مطالعه، کتاب را به مسؤول کتاب‌خانه تحویل بدهیم.

اگر کتابی را از کتاب‌خانه امانت می‌گیریم، باید آن را دوباره بر گردانیم.

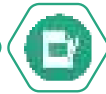
این گونه می‌توانیم از کتاب و کتاب‌خانه استفادهٔ درست کنیم و به دانشِ خود بِیَفزاییم.



کلمه‌ها



قلم‌ها	کتاب‌ها	چتری	توپ‌ها
صنف	معلمان	بزرگان	شاگردان
گل‌ها	درختان	بکس‌ها	گیلاس



جمله‌ها



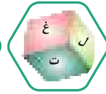
۱. من به مطالعهٔ کتاب‌های قصه علاقه دارم.

۲. در کجا سواد می‌آموزیم؟

۳. در یک روز بهاری باران می‌بارید ___

۴. کتاب‌های خود را چگونه نگهداریم ___

۵. ثریا مکتب می‌رود ___



ذخیرهٔ لغت‌ها

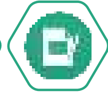


الف	ب
تخته	کتاب‌خانه
توپ	پنسل‌پاک
جماعت	میدان بازی
کتاب	مسجد
پنسل	تباشیر



خوانش دوبارهٔ متن اول





حرف‌ها



ذ	ز	ض	ظ	ع	غ	ک	گ
ف	ق	ل	م	ن	آ	ا	ع
و	هـ	ی					



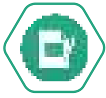
میله — مسابقه — قهرمان



ریسمان‌کشی

یک روزِ بهاری، حیوان‌های جنگل میله کردند. هر یک می‌خواست تا بازی موردِ علاقه‌اش را انجام دهد. شیر گفت: امروز مسابقه داریم. به تیم بَرنده، جایزهٔ قهرمانِ سال داده می‌شود. حیوان‌ها با جَست و خیز، ریسمان آوردند و گفتند: ریسمان‌کشی می‌کنیم. سرتیمِ یک گروه، فیل‌مرغ و از گروهِ دیگر، شترمرغ بود. شغال و شادی در گروه شترمرغ و خرگوش و روباه، در گروه فیل‌مرغ رفتند. مسابقه، شروع می‌شد. ناگهان پای فیل‌مرغ در ریسمان بند شد و بر زمین اُفتاد. فیل‌مرغ گفت: آخ! دیدند پایش زخمی شده بود. شیر، پای فیل‌مرغ را بست و گفت: فردا مسابقه می‌دهیم. وقتی مسابقه شروع شد، همه فکر می‌کردند گروه فیل‌مرغ می‌بازد؛ اما آن‌ها تلاش کردند. گروهِ فیل‌مرغ جایزهٔ قهرمانِ سال را گرفت. گروهِ بازنده به آن‌ها مبارک گفت.





کلمه‌ها



الف	ب
فیل	خانه
کتاب	حال
روز	نامه
خوش	برگ
گل	مرغ



جمله‌ها

:

۱. شاگرد از معلم خود پرسید: روز معلم چه وقت است؟
۲. مادرم گفت سبزی‌ها را ناشسته مخورید.
۳. معلم ما گفت قبل از خوردن غذا دست‌های خود را بشویید.
۴. پیامبر ما فرموده است بهترین مردم کسانی‌اند که خیرشان به مردم برسد.
۵. پدرم گفت با هم‌صنفانت مهربان باش.



ذخیرهٔ لغت‌ها

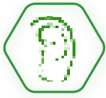


الف	ب
شب	آشتی
سیاه	ناپاک
پاک	روز
سرد	سفید
قهر	گرم



خوانش دوبارهٔ متن دوم



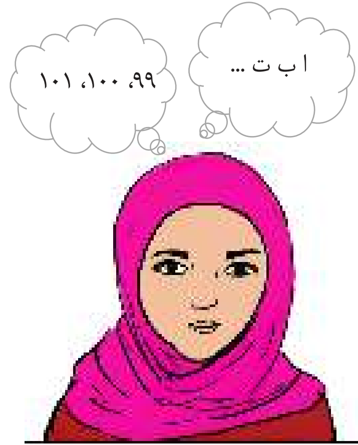


گوش دادن و صحبت کردن





رشد ذهنی: کارگیری از حافظه و انجام دادن چندین کار در یک وقت









نوشتن ابتکاری



احمد نام میوه‌هایی را که در قریهٔ آن‌ها وجود دارد، در قالب شعر بیان می‌کند.
جمیله می‌خواست با احمد همین بازی را انجام دهد.

تمرین
ناک
انار
سیب

____

____

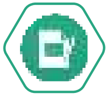
____

____



خوانش دوبارهٔ متن ۱-۲





کلمه‌ها و جمله‌ها



الف

مجله‌ها	میزها	تخته	چوکی‌ها
گل	سبزی‌ها	میوه‌ها	باغ‌ها
دختران	پدر	پسران	عزیزان
کتابچه‌ها	صنف‌ها	مکتب	الماری‌ها

ب :

۱. حمید به پدرش گفت: فردا جشن استقلال است.
۲. شبنم به خواهرش گفت بیا باهم درس بخوانیم.
۳. معلم به شاگردان گفت فردا به سیر علمی می‌رویم.
۴. فرحناز گفت فردا امتحان داریم.

ج

تر	پایین
غم	ناآرام
بالا	شادی
آرام	خشک



خوانش دوبارهٔ متن





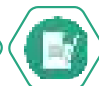




املا





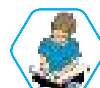


حرف و کلمه‌ها





تربوز	ساعت	توانا
متین	کتاب	درخت
نبات	توت	مکتب



جشن — نگران — جایزه



اناهیتای مهربان

روزی خانوادۀ متین در باغچه‌یی، دَورِ هم جمع شده بودند. آن‌ها می‌خواستند تا برای شخص مهربان خانواده جایزه بدهند.

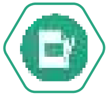


مستوره و تیمور برای به دست آوردن جایزه تلاش می‌کردند.

متین، پدرِ آن‌ها از هر کدام‌شان در بارۀ مهربانی با خانواده پرسید.

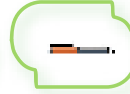
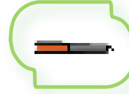
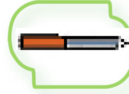
مستوره با خوشحالی گفت: من برای پدرم چای آماده می‌کنم.

تیمور گفت: من در تهیۀ غذا با مادرم همکاری می‌کنم؛ اما از اناهیتای کوچک خبری نبود. اعضای خانواده نگران شده و در جستجوی او شدند. سرانجام اناهیتای کوچک را در کنار بستر مادرکلان بیمارش یافتند. متین، بزرگ خانواده گفت: هر سه‌تان مهربان استید؛ اما بیایید جایزه را به اناهیتا بدهیم؛ زیرا او با مادر کلان بیمارتان کمک و مهربانی کرده است. اناهیتا جایزه را گرفت و با خوشحالی از خانواده‌اش تشکر کرد.



کلمه‌ها



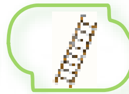
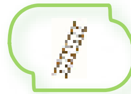
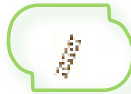
۱. کلان   کلان‌تر   کلان‌ترین

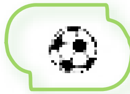
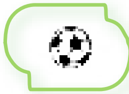
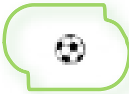
۴. ______ ______ ______

۲. ______ ______ ______

۵. ______ ______ ______

۳. کوچک   کوچک‌تر   کوچک‌ترین

۶. ______ ______ ______



ذخیرهٔ لغت‌ها



۱. پدر حمیرا داکتر است.

۲. پدر حمید در مزرعه کار می‌کند.

۳. من در درس‌های خود کوشش می‌کنم.

۴. حامد معلم است.

۵. من به تماشای مسابقهٔ فوتبال رفتم.

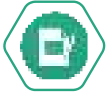
کلمه‌ها

شفاخانه	خشکه
دهقان	پنسل
دریا	کتاب
راستکار	آسمان
شفاخانه	میدان بازی



خوانش دوبارهٔ متن





کلمه‌ها



کوچک	کوچک + تر	کوچک‌تر
لایق	لایق + تر	لایق‌تر
زیبا	زیبا + تر	زیباتر
هوشیار	هوشیار + تر	هوشیارتر



قدیم | بی‌پروا | تشویق



هم‌کاری با خانواده



در روزگاران قدیم در دهکدهٔ کوچکی پسری زنده‌گی می‌کرد که تواب نام داشت. او پسر بی‌پروا بود و در کارهای خانه، هم‌کاری نمی‌کرد.

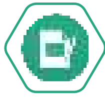
روزی خواهرش تَبسم، ظرف‌ها را می‌شست. از تواب خواست تا با او هم‌کاری کند؛ اما تواب توجه نکرد.

مادرِ تواب متوجه شد و گفت: پسرم! بیا در آشپزخانه با من هم‌کاری کُن. تواب با مادرش کُمک کرد.

او در آوردنِ غَذا روی دسترخوان هم‌کاری کرد.

همان روز غذا وقت‌تر آماده شد. همهٔ اعضای خانواده او را تشویق کردند.

تواب همیشه بعد از خواندن درس‌هایش، در کارهای خانه هم‌کاری می‌کرد.



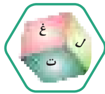
جمله‌ها



۱. بهار رسامی می‌کند.
۲. من نان می‌خورم.
۳. احمد ورزش می‌کند.
۴. محمود بازار می‌رود.
۵. من مکتب می‌روم.
۶. احمد از بازار قلم می‌خرید.

کلمه‌ها

کرد
خوردم
کرد
رفت
رفتم
خرید



ذخیرهٔ لغت‌ها



۱. محمود چوپان است.
۲. حامد با خانوادهٔ خود هم‌کاری می‌کند.
۳. من می‌خواهم شیرینی بخورم.
۴. پدرم آموزگار است.
۵. خلیل ورزش‌کار است.

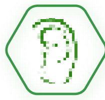
کلمه‌ها

درخت	گوسفند
کارها	بوت
چاکلیت	چوب
جنگل	مکتب
پهلوان	چوکی



خوانش دوبارهٔ متن دوم

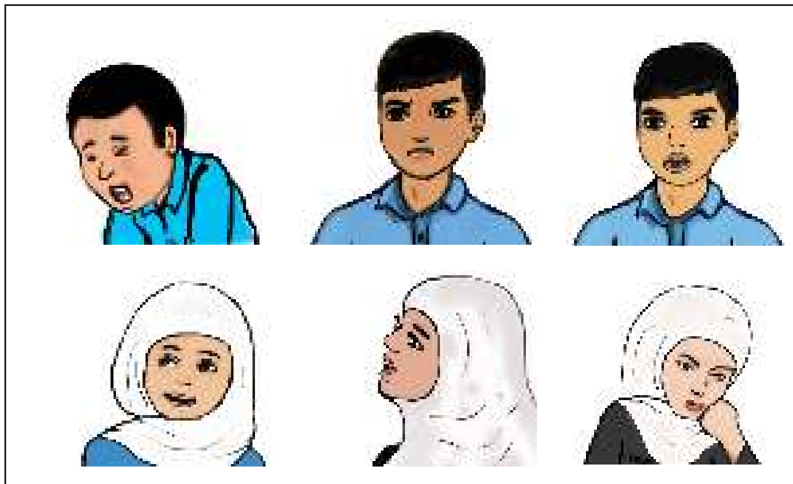





گوش دادن و صحبت کردن



کنترول احساسات: شناختن احساسات






نوشتن ابتکاری

جمیله دیروز بسیار خوش بود.

او با دوست خود شکیلا بازی می‌کرد.

____

شکیلا ناراحت بود؛ زیرا کارخانه‌گی خود را انجام داده نمی‌توانست.

____

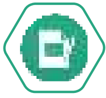
____

____

افتخار
مشکلات
کمک
توجه




خوانش دوبارهٔ متن ۱-۲




کلمه‌ها و جمله‌ها

الف



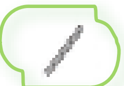


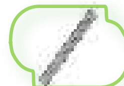
۱. کلان‌ترین ______ ______





۲. ______ ______ ______





۳. ______ ______ ______

ب

۱. ثریا با مادرش کمک می‌کند .
۲. برادرم خیاط است.
۳. من مطالعه می‌کنم.

کلمه ها

خانه	میز
کارگاه	پاک
کتاب‌خانه	کوه

ج

۱. علی هر روز مکتب می‌رود.
۲. فریبا املا می‌نویسد.
۳. زیبا هر روز صبح ورزش می‌کند.

کلمه‌ها

رفت
نوشت
کرد




خوانش دوبارهٔ متن ۱-۲





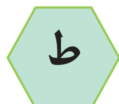


املا



حرف و کلمه‌ها





طاهره	خطاط	مطالعه
سطل	لطیف	طوطی
خیاط	طارق	باسط



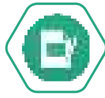
مصرف — قطره — عمیق



کتابچه‌یی که فرار کرد

طاهره ورق‌های کتابچه‌اش را پاره می‌کرد. روزی او در صنف کتابچه نداشت. ناراحت نشسته بود. فردا پدرش به او کتابچهٔ نو خرید. او بازهم ورق‌های کتابچه‌اش را پاره کرد. کتابچه از نزد او فرار کرد. طاهره پریشان شد و از پشت کتابچه دَوید. کتابچه دور و دورتر ایستاد و با قهر گفت: مرا اذیت می‌کنی و به پول‌های پدرت که مصرف می‌شود هم فکر نمی‌کنی. طاهره گفت: یک ورق چه است که پاره شود؟ کتابچه گفت: قطره قطره دریا می‌شود. طاهره کمی آرام شد. نفس عمیق کشید و گفت: فهمیدم. باید کتابچه‌هایم را خوب‌تر نگهدارم تا پول‌های پدرم بی‌جا مصرف نشود. طاهره و کتابچه خوش شدند و باهم آشتی کردند.

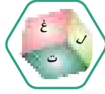




کلمه‌ها



خوب	خوب‌تر	خوب‌ترین
سبک	______	______
______	قوی‌تر	______
شیرین	______	______
______	______	بلندترین



ذخیرهٔ لغت‌ها



۱. من سیب می‌خورم.

۲. حامد به مطالعهٔ کتاب‌های قصه علاقه دارد.

۳. من کوشش می‌کنم علم بیاموزم.

۴. من می‌خواهم در آینده داکتر شوم.

۵. ما باید همیشه نظافت را مراعات کنیم.

۶. من امروز ورزش کردم.

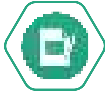
کلمه‌ها

چوب	میوه
خواندن	باغ
گل‌خانه	آموزش
شفاخانه	نجار
کوه	صحت
توپ‌بازی	کتابچه



خوانش دوبارهٔ متن اول





کلمه‌ها



کوچک	کوچک + ترین	کوچک‌ترین
سفید	سفید+ ترین	سفیدترین
نازک	نازک+ ترین	نازک‌ترین
تازه	تازه+ ترین	تازه‌ترین



قریه — نوازش — لبخند



مادر مهربانم

طاهر با خانواده‌اش در یک قریهٔ کوچک زنده‌گی می‌کرد.

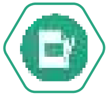
مادرِ طاهر معلم بود. او کارهای خانه را انجام می‌داد. وظیفه می‌رفت و همین که بر می‌گشت دخترِ کوچکش، فاطمه را نوازش می‌کرد. او با طاهر در درس‌هایش کُمک می‌کرد.



یک شب طاهر پرسید: مادرجان! کاش فاطمه هم مثلِ من، بزرگ می‌بود تا کمی راحت می‌بودی. مادرش لبخندی زد و عکس کودکی‌اش را برایش نشان داد. طاهر با دیدنِ عکسش دوید و فریاد زد: وای مادرجان! این من استم؟ چقدر کوچک بودم. مادرش گفت: تو هم هشت سال پیش، مثلِ فاطمه، کوچک بودی.

طاهر گفت: راستی که مادر، بهترین و مهربان‌ترین موجود است.

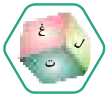
مادرجان! بسیار دوستت دارم.



کلمه‌ها



حال	گذشته
۱. می‌روم	الف.خوردم
۲. می‌خورم	ب. نوشیدم
۳. می‌نویسم	ج. گفتم
۴. می‌نوشم	د. پرسیدم
۵. می‌خوانم	هـ .رفتم
۶. می‌گویم	و. خواندم
۷. می‌پرسم	ز. خندیدم
۸. می‌خندم	ح. نوشتم



ذخیرهٔ لغت‌ها



۱. من آب‌بازی کردم.
۲. به عیادت مریض رفتم.
۳. من حلوا را خوش دارم.
۴. حویلی‌ما گل‌های رنگارنگ دارد.
۵. منیژه به رسامی علاقه دارد.
۶. زیبا لباس‌هایش را منظم می‌گذارد.

کلمه‌ها

حوض	سرک
شفاخانه	دیوار
تندی	شیرینی
مرسل	آفتاب
بکس	کتابچه
الماری	چاینک



خوانش دوبارهٔ متن دوم



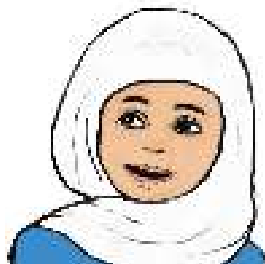


گوش دادن و صحبت کردن





کنترول احساسات: شما چه احساس می‌کنید؟









نوشتن ابتکاری



احمد عجله داشت؛ چرا که رفتنش به مکتب ناوقت شده بود.

بایسکل
احتیاط
زنگ مکتب
تصمیم

____

____

____

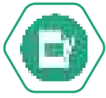
____

احمد به وقت معین به مکتب رسید. او خوش بود.



خوانش دوبارهٔ متن






کلمه‌ها و جمله‌ها

الف

عزیز		
	تلخ‌تر	
		قشنگ‌ترین
سیاه		

ب

۱. من درس می‌خوانم.
۲. من غذا می‌خورم.
۳. عبدالله آب می‌نوشد.
۴. پدرم برایم لباس‌های نو می‌خرد.

کلمه‌ها

خواندم
خوردم
نوشید
خرید

ج

۱. من آب می‌نوشم.
۲. ثریا به موزیم می‌رود.
۳. فردا مسابقه داریم.
۴. زهره بادام می‌خورد.

کلمه‌ها

گیلاس	سبد
گل‌فروش	آثار تاریخی
والیبال	باغ
ترکاری	میوهٔ خشک




خوانش دوبارهٔ متن ۱-۲







املا



حرف‌ها و کلمه‌ها



توله	نبات	احتیاط	ت
کتابچه	ساعت	طوطی	
طاووس	لطیفه	باسط	ط



تحمل — حوصله — ترمیم



تحمل و گذشت

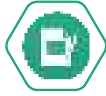


تمیم، مردی بود باحوصله. او تلاش می‌کرد بین همسایه‌ها روابطِ بهتر به میان آید. او در برابرِ مردم از صبر و گذشت کار می‌گرفت.

روزی تمیم به همسایه‌اش مُطَهَّر گفت: بیا گُل‌های کوچه را آبیاری کنیم. مُطَهَر با بی‌تفاوتی گفت: به من ارتباط ندارد.

تمیم خاموش ماند و گُل‌ها را آبیاری کرد.

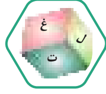
در یکی از شب‌ها، میترِ برق خراب شده بود. آن شب تمیم در خانه نبود. همسایه‌ها فکر می‌کردند که مثل همیشه تمیم انجنیر برق را خبر خواهد کرد. همه جا تاریک بود. همسایه‌ها به مشکل رو به رو شدند. همه درک نمودند که تمیم با صبر و شکیبایی، سخت‌ترین کارها را انجام می‌دهد. تحمل و گذشتِ تمیم، بهترین درس برای آن‌ها بود.



کلمه‌ها



لایق	لایق‌تر	لایق‌ترین
	سبزتر	______
______		سیاه‌ترین
خوب	______	______
______	مهربان‌تر	______



ذخیرهٔ لغت‌ها



۱. باران می‌بارد.

۲. من روشنایی را خوش دارم.

۳. هنگام عبور از سرک دقت کنیم.

۴. به گفته‌های بزرگان گوش دهیم.

۵. من درس می‌خوانم.

۶. من دستکش می‌پوشم.

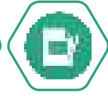
کلمه‌ها

آسمان	قلم
برق	تاریکی
اشاره‌های‌ترافیکی	پارک
گل	نصیحت
مکتب	درخت
زمستان	ستاره



خوانش دوبارهٔ متن اول





کلمه‌ها



کوچک	کوچک + تر	کوچک‌ترین
خوش	خوش + تر	خوش‌ترین
بالا	بالا + تر	بالاترین
صادق	صادق + تر	صادق‌ترین



پند — پاینده‌گی — نایاب



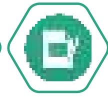
پدر شیرینم

طَناز در حال انجام دادنِ کارخانه‌گی‌اش بود. او به خواهرِ کوچک‌ترش تَرَنُم و برادرِ بزرگ‌ترش لطیف گفت: امروز ترانهٔ زیبای پدر را یاد گرفتم، بشنوید تا بخوانم:



پـــدرم ای پـــدرِ شیـــرینـــم — سوی تو شام و سحر مـی‌بینم
قصــه گفتــی ز گُل و باغ و بهار — قصه از آبِ روان، جوی و کنار
حرف‌حرف تو بـه من پَندی شُـد — تا لبــم باز بـه لبخنـدی شُد
راحـتِ زنــدگی‌ام از تــو بـوَد — بخت و پاینده‌گی‌ام از تـو بـوَد
دوست مـــی‌دارمت ای سایهٔ عُمر — دوست می‌دارمت ای مایهٔ عُمر

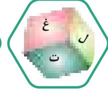
تَرَنُم و لطیف گفتند: آفرین طناز جان! خیلی زیبا بود. به راستی که پدر و مادر، گُوهر نایاب زنده‌گی ما استند.



جمله‌ها و کلمه‌ها



حال	گذشته
۱. می‌نویسم	الف. رفتم
۲. می‌خوابم	ب. شستم
۳. می‌نوشم	ج. خوابیدم
۴. می‌دوم	د. گفتم
۵. می‌روم	هـ. نوشتم
۶. می‌خوانم	و. دویدم
۷. می‌گویم	ز. خواندم
۸. می‌شویم	ح. نوشیدم



ذخیرهٔ لغت‌ها



۱. جمیل بادنجان‌سیاه را خوش دارد.

۲. محیط خود را سبز نگهداریم.

۳. زیبا کارهای خانه‌گی خود را انجام می‌دهد.

۴. مادرم داکتر است.

۵. نورِ زیاد به چشم ضرر دارد.

۶. ما صلح می‌خواهیم.

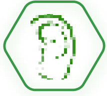
کلمه‌ها

ترکاری	میوه
نهال‌شانی	کوه
توت	کتابچه
شفاخانه	دهقان
سردی	آفتاب
تاریکی	آرامی



خوانش دوبارهٔ متن دوم

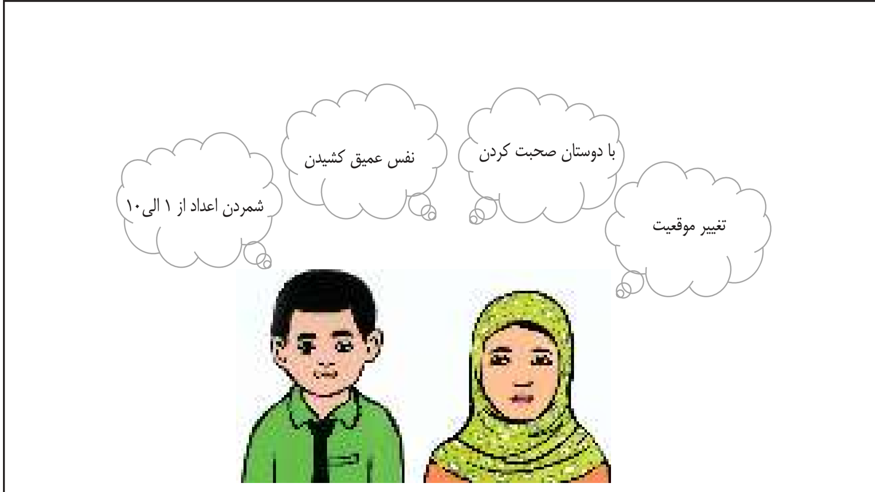





گوش دادن و صحبت کردن



کنترول احساسات: احساسات بد






نوشتن ابتکاری

جمیله بسیار قهر بود.

نفس‌عمیق
محبت کردن
مادر
خانواده
آرام

____

____

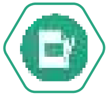
____

____

____




خوانش دوبارهٔ متن ۱-۲



کلمه‌ها و جمله‌ها



الف

دانا		
	مهربان‌تر	
		کوتاه‌ترین
لایق		

ب

۱. من ورزش می‌کنم.
۲. میلاد به تفریح می‌رود.
۳. من صبحانه می‌خورم.
۴. طناز کارهای خانه‌گی خود را انجام می‌دهد.

کلمه‌ها
کردم
رفت
خوردم
داد

ج

۱. مطالعه اهمیت زیاد دارد.
۲. فردوس مزارشریف رفت.
۳. من مسجد می‌روم.
۴. برادرم قلم‌های رنگه خرید.

کلمه‌ها

کتاب خواندن	دیوار
پنسل	موتر
نماز	کاغذ
گیلاس	کتابچه



خوانش دوبارهٔ متن ۱-۲









املا





حرف و کلمه‌ها



ث

ثریا	حارث	غوث
عثمان	حدیثه	ثواب
وارث	غیاث	کلثوم



آلوده‌گی | جلوگیری | سلامتی



سرسبزی

روزی ثریا درس را چنین آغازکرد: داشتنِ محیطِ سبز و پاک، حقِ هر انسان است. همهٔ مردم محیط سبز را دوست دارند.



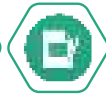
محیطِ سبز، از آلوده‌گی هوا جلوگیری می کند.
هوای صاف باعثِ سلامتی ما می گردد.

غیاث پرسید: چگونه می‌توانیم محیطِ سبز داشته باشیم؟

ثریا گفت: نهال بنشانیم و از آن نگهداری کنیم. شاخه‌های درختان را نشکنیم. گُل‌ها را از بته‌ها نکَنیم. در آبیاری گُل‌ها و درختان توجه کنیم. از سبزه‌ها و چمن‌ها درست نگهداری کنیم. در سبز نگهداشتنِ محیطِ خانه و مکتبِ خود کوشش نماییم.

شاگردان عزیز!

شما می‌توانید با هم‌کاری هم، در سبز نگهداشتن محیط زیست‌تان نقشِ مهم داشته باشید.

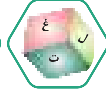


کلمه‌ها و جمله‌ها



۱. این کتاب از (من) است.
۲. این حویلی از (تو) است.
۳. کتابچهٔ سفید از ( ) است.
۴. افغانستان وطن ( ) است.
۵. این جاکت از ( ) است.
۶. کتاب‌های قصه از ( ) است.

کلمه‌ها
من
ما
شما
او
تو



ذخیرهٔ لغت‌ها



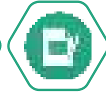
گوسفند	پالک	انار	پیاز
انگور	بز	گشنیز	سیب
گاو	زردآلو	زردک	اسب

حیوان‌ها	سبزی‌ها	میوه‌ها
گوسفند	پالک	زردآلو
____	____	____
____	____	____
____	____	____



خوانش دوبارهٔ متن اول





کلمه‌ها



کتاب	کتاب+ من	کتاب من
قلم	قلم+ ما	قلم ما
کتابچه	کتابچه+ آن‌ها	کتابچهٔ آن‌ها
بکس	بکس+ شما	بکس شما



حیات | نیاز | قدر



آبِ نوشیدنی

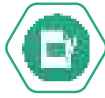
آب مایهٔ حیات است؛ زیرا تمام موجودات زنده به آب نیاز دارند. دسترسی به آبِ صِحی و پاک حقِ هر انسان می‌باشد.



ثُریا به برادرش حارث گفت: چگونه می‌توانیم از مصرفِ بی‌جای آب جلوگیری کنیم؟

حارث گفت: هنگامی‌که از آبِ نل استفاده می‌کنیم، آن را دوباره ببندیم. آب را باید بی‌جا مصرف نکنیم. اگر کسی در مصرفِ درستِ آب توجه نداشت، او را متوجه بسازیم. آب را باید به قدرِ ضرورت استفاده کنیم. انسان بدونِ آب، زنده‌گی کرده نمی‌تواند.

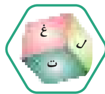
با در نظرداشت نکته‌های بالا، می‌توانیم از مصرفِ بی‌جای آب جلوگیری کنیم. در این صورت همیشه آب نوشیدنی می‌داشته باشیم.



کلمه‌ها



کلمه	امریهٔ مثبت	امریهٔ منفی
رفتن	برو!	مرو!
خوردن	بخور!	
کردن		مکن!



ذخیرهٔ لغت‌ها



پدر — معلم — جاهای‌سبز — مادر
شاگرد — هوای‌پاک — خواهر — تخته
برادر — تباشیر — کوه‌ها — دشت‌ها

خانواده	مکتب	محیط
پدر	معلم	جاهای سبز
______	______	______
______	______	______
______	______	______



خوانش دوبارهٔ متن دوم





گوش دادن و صحبت کردن





مهارت‌های مثبت اجتماعی: درک احساسات دیگران





نوشتن ابتکاری



درک احساسات دیگران چه اهمیت دارد؟
ما باید احساسات دیگران را درک کنیم.

وقتی مردم به احساسات دوست شما توجه نمی‌کنند، شما چه احساس می‌کنید؟

وقتی مردم به احساسات شما توجه نمی‌کنند، چه احساس می‌کنید؟

ما باید احساسات دیگران را درک کنیم.
این کار به ما کمک می‌کند تا دوستان خوب داشته باشیم.

فکر کردن
ناراحت
ناراحتی



خوانش دوبارهٔ متن ۱-۲





کلمه‌ها و جمله‌ها

الف

کلمه‌ها: من، شما، او، ما، آن‌ها

۱. این بکس از (من) است.
۲. آن جاکت از برادر (   ) است.
۳. این کتابچه از (   ) است.
۴. این باغ از (   ) است.

ب

کلمه	امریهٔ مثبت	امریهٔ منفی
نوشیدن	بنوشید!	ننوشید!
گفتن		نگو!
خوردن	بخور!	

ج

پیراهن	ناک	زاغ	جاکت
کبوتر	غذا	پتلون	لوبیا
خرما	غچی	چادر	بلبل

پوشاک	خوراک	پرنده‌ها
پیراهن	ناک	کبوتر
ـــــ	ـــــ	ـــــ
ـــــ	ـــــ	ـــــ
ـــــ	ـــــ	ـــــ



خوانش دوبارهٔ متن ۱-۲









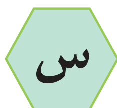
املا







حرف و کلمه‌ها



سنجد	مسلم	سبوس
مسکه	سمارق	خروس
احساس	ساعت	ماست



زُباله میکروب انتقال



زُباله‌ها

انبار شدن زباله‌ها و کثافات یکی از مشکلاتِ عمده و اساسی محیط ما می‌باشد.



در جاهایی که زباله‌ها جمع می‌شوند، انواعِ میکروب‌ها پیدا می‌شود.

انتقالِ میکروب‌ها به انسان باعثِ امراضِ گوناگون می‌گردد.

چگونه می‌توانیم از ضرر زباله‌ها و کثافات جلوگیری کنیم؟

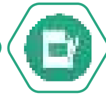
زباله‌ها را در جاهای مشخصِ آن بریزیم.

موادِ فاسد شده و گندیده را زیر خاک کنید تا به کود زراعتی تبدیل گردد.

پلاستیک، شیشه، رابر و آهن را باید از دیگر زباله‌ها جدا بریزید تا از آن دوباره استفاده گردد.

به جای خریطه‌های پلاستیکی، از خریطه‌های تکه‌یی و کاغذی استفاده کنید.

بیایید! این‌گونه محیطِ زیستِ خود را از ضررِ زباله‌ها و کثافات نجات دهیم.

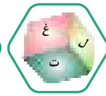


کلمه‌ها و جمله‌ها



۱. کتابچه‌های سمیه و سلیمان این‌جا است.
این کتابچه از (آن‌ها) است.
۲. این کتاب از سمیرا و نعیم است.
این کتاب از (   ) است.
۳. من و شمس، قلم‌های رنگه داریم.
این قلم‌های رنگه از(   ) است.
۴. این خط‌کش از مصطفی است.
این خط‌کش از (   ) است.

کلمه‌ها
آن‌ها
ما
او
شما



ذخیرهٔ لغت‌ها



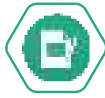
داکتر	سبزه	نرس	وسایل بازی
دریا	دوا	شاگرد	درخت
معلم	صنف	کوه	امبولانس

شفاخانه	کودکستان	طبیعت
داکتر	وسایل بازی	سبزه
________	________	________
________	________	________
________	________	________



خوانش دوبارهٔ متن

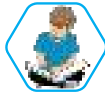




کلمه‌ها



خانه	خانه + ما	خانهٔ‌ما
شهر	شهر + شما	شهرِ شما
خانواده	خانواده + آن‌ها	خانوادهٔ آن‌ها
عینک	عینک + او	عینکِ او



باثمر — بی‌ثمر — طبیعت



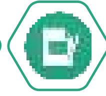
درختان

درختان مهم‌ترین وسیلهٔ پاکی هوا و سرسبزی طبیعت می‌باشند.
ما برای زنده‌گی بهتر، به طبیعت زیبا و درختانِ سبز نیاز داریم.



چگونه می‌توانیم از درختان، مراقبت کنیم؟
قدرِ درختان را بدانیم. درختان را آب بدهیم و شاخه‌های آن‌ها را نشکنیم. درختان، بهترین وسیله، برای از بین بردنِ آلوده‌گی هوا می‌باشند. درختان چه باثمر باشند و یا بی‌ثمر، در زنده‌گی انسان‌ها و حیوان‌ها اهمیت خاص دارند.

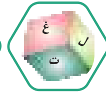
شاگردان عزیز!
نشاندنِ نِهال و مراقبت از آن وظیفهٔ هر کدام ما است.
نهال بنشانید و از آن نگهداری کنید.
آن وقت است که شهرِ ما زیبا، هوای‌ما تازه، و طبیعت ما پُر از درخت خواهد بود.



کلمه‌ها



کلمه‌ها	امریهٔ مثبت	امریهٔ منفی
نوشتن	بنویسید!	منویسید!
آوردن	بیاورید!	
نوشیدن		منوشید!



ذخیرهٔ لغت‌ها



شیر گل‌ها جال پلنگ
درخت گرگ‌ها سبزه باغبان
توپ‌ها بازیکن شادی‌ها تماشاچی

باغ وحش	میدان بازی	باغ
شیر	توپ‌ها	درخت
______	______	______
______	______	______
______	______	______



خوانش دوبارهٔ متن دوم





گوش دادن و صحبت کردن

مهارت‌های مثبت اجتماعی: پیش‌بینی احساسات دیگران.







نوشتن ابتکاری



چرا پیش‌بینی کردن احساسات دیگران مهم است؟
برای این که با مردم ارتباط خوب داشته باشیم.

چگونه می‌توانیم احساسات دیگران را درک کنیم؟

____

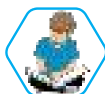
____

____

____

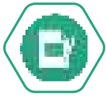
نگاه
صحبت
درک
همکاری

وقتی احساسات دیگران را درک کردیم، می توانیم با آن‌ها روابط خوب داشته باشیم.



خوانش دوبارهٔ متن




کلمه‌ها و جمله‌ها


الف

۱. این جاکت از اسد است.
این جاکت از (او   ) است.
۲. طناز و بهار پنسل‌های رنگه دارند.
این پنسل‌های رنگه از (   ) است.
۳. این میز از من و امین است.
این میز از (   ) است.
۴. عایشه به فاطمه گفت:
این باغ از (   ) است.

کلمه‌ها
ما
او
آن‌ها
شما

ب

کلمه	امریهٔ مثبت	امریهٔ منفی
خوردن	بخورید!	مخورید!
گفتن		مگویید!
رفتن	بروید!	
پرسیدن		مپرسید!

ج

شیر، چادر، پنسل، پنسل‌پاک
جاکت‌ها، کاغذها، قیماق، پیراهن
قلم‌های رنگه، پنیر، پتلون، ماست

لبنیات	رسامی	پوشاک
شیر	پنسل	پیراهن
______	______	______
______	______	______
______	______	______


خوانش دوبارهٔ متن ۱-۲






املا





حرف و کلمه‌ها

ثریا	عثمان	غیاث	ث
سبزی	مستوره	الیاس	س
صابره	بصیره	اخلاص	ص


پاکیزه   محیط   رعایت


پاکیزه‌گی شهر

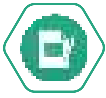
داشتن محیط پاکیزه، یکی از نیازهای مهم زنده‌گی انسان‌ها می‌باشد. هر فرد وظیفه دارد تا برای تندرستی خود و دیگران، محیط زیست و شهرش را پاک نگهدارد.



بیایید فکر کنیم! چگونه می‌توانیم محیط خود را پاکیزه بسازیم؟

وقتی از میوه استفاده می‌کنیم باید پوستِ آن را در کثافت‌دانی‌ها بریزیم. از انداختن پوش چاکلیت، آیس‌کریم، بیسکویت، قوطی نوشابه و دیگر خوراکه‌ها در کوچه‌ها و جاده‌ها، خودداری کنیم. کثافات را در جاهای مخصوص آن بیندازیم. همین چیزهای کوچک باعث کثیف شدن شهر و آلوده‌گی محیط زیست می‌گردد. آلوده‌گی محیط، سبب امراضِ گوناگون می‌شود.

با رعایت اینَ نکات، می‌توانیم نقش خوبی در پاکیزه‌گی شهر خود داشته باشیم.



کلمه‌ها و جمله‌ها



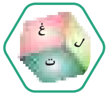
کلمه‌ها
ما
او
آن‌ها

۱. کتابِ فردوس و عبدالله بالای میز است.
این کتاب از (آن‌ها) است.

۲. من و ناجیه در صنف درس می‌خوانیم.
این صنف از (   ) است.

۳. پیراهنِ سفید از احمد است.
این پیراهنِ سفید از (   ) است.

۴. ساعتِ قشنگ از احمد است.
ساعت قشنگ از (   ) است.



ذخیرهٔ لغت‌ها



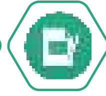
گوسفندان	نخود	ماش	گاو
کتابچه	قلم	بز	خط‌کش
شتر	اسپ	لوبیا	قلم‌های رنگه

حبوبات	قرطاسیه	مالداری
لوبیا	خط‌کش	اسپ
______	______	______
______	______	______
______	______	______



خوانش دوبارهٔ متن اول





کلمه‌ها



جاکت	جاکت + من	جاکت من
صنف	صنف + آن‌ها	صنف آن‌ها
خانواده	خانوادهٔ + ما	خانوادهٔ ما
معلم	معلم + شما	معلم شما



تمیز | قشنگ | کثیف



شهر ما خانهٔ ما



شهـــر ما خـــــانهٔ ما
با آســـمان آبــــی

میـــشه تمیـز و صـفا
با صبـــح آفتــابی

شهـر قشنـگ و زیـبا
نشان پاکیزه‌گیست

بوی خـوش درختـان
هرنفسش تازه‌گیست

در محیط سبـز و پاک
زنده‌گی زیبا میشــه

لـب‌های ما کـودکان
مانند گل وا میشــه

باید کثیف نسـازیـم
کوچه و شهر خود را

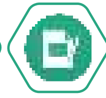
پاک و تمیـزش داریم
مثل دستهٔ گـل‌ها

وقتی می‌خوریم میوه
سیب و انار و کیـله

پوسـت آن‌هـا نبایـد
روی سرک بـریـزه

ما کـودکان زیبــا
می‌گوییم با یک صدا

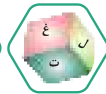
باید پاکیــزه باشـد
شهر مـــا خانهٔ ما



کلمه‌ها



کلمه‌ها	امریهٔ مثبت	امریهٔ منفی
گفتن	بگویید!	مگویید!
نشستن	بنشینید!	
رفتن		مروید!



ذخیرهٔ لغت‌ها



الماری	زمستان	عصر	چاشت
بهار	شام	صبح	خزان
کتاب‌دار	کتاب	تابستان	چوکی

چهارفصل	کتاب‌خانه	اوقات‌روز
بهار	چوکی	صبح
______	______	______
______	______	______
______	______	______



خوانش دوبارهٔ متن دوم





گوش دادن و صحبت کردن





مهارت‌های مثبت اجتماعی: پاسخ دادن به احساسات دیگران

اطفال چه احساس دارند و مادرشان چه احساس می‌کند؟





نوشتن ابتکاری



ما باید احساسات دیگران را درک کنیم.

روز گذشته من ناوقت به خانه آمدم. مادرم

بسیار به تشویش بود.

____

____

____

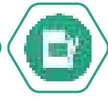
____

محبت
فکر
مشکل
بازی



خوانش دوبارهٔ متن ۱-۲





کلمه‌ها و جمله‌ها



الف

۱. توپ نصیر و احمد این‌جا است.
توپ (آن‌ها) است.
۲. قلم من بالای میز بود. معلم گفت:
این قلم از (   ) است.
۳. بیرق ما رنگ سیاه، سرخ و سبز دارد.
این بیرق از (   ) است.
۴. خطکش از حمید است.
این خطکش از (   ) است.

کلمه‌ها
شما
او
آن‌ها

ب

کلمه‌ها	امریهٔ مثبت	امریهٔ منفی
سرودن	بسرایید!	مسرایید!
خواندن		مخوانید!
خندیدن	بخندید!	
خوردن		مخورید!

ج

بازی‌کن، مسافر، بازی‌کن، فرش
الماری، فرش، میدان بازی، مهماندار
پیلوت، توپ، دوشک، چوکی

لوازم‌خانه	طیاره	فوتبال
الماری	پیلوت	بازی‌کن
ــــــــ	ــــــــ	ــــــــ
ــــــــ	ــــــــ	ــــــــ
ــــــــ	ــــــــ	ــــــــ



خوانش دوبارهٔ متن ۱-۲



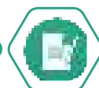






املا





حرف‌ها و کلمه‌ها



تسبیح	طناز	طَیّب	ت
متین	جاکت	شفتالو	ط
مُطَهَر	باسط	تمیم	



اعتماد | مدال | الگو



به خود باور دارم

در یک دهکدهٔ دوردستِ کشور ما، دختری زنده‌گی می‌کرد. او تهمینه نام داشت. تهمینه از کودکی دُچار بیماری بود.



مادرش او را نزد داکتر برد.

داکتر گفت: امکان خوب شدن پای تهمینه کم است.

تهمینه اعتماد به نفس خود را از دست نداد.

او می‌گفت: من باور دارم که می‌توانم راه بروم.

او توانست هر روز بهتر از روز گذشته راه برود.

راه رفتن او بهتر شد و به دَوِش تبدیل گردید.

تهمینه بعد از مدتی در مسابقهٔ دَوش اشتراک کرد و مِدال طلا را به دست آورد.

دوستان تهمینه، او را الگوی خود قرار دادند.

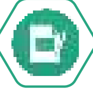
آن‌ها دانستند که اعتماد به نفس و پشتِ کار، باعث موفقیتِ انسان می‌شود.





کلمه‌ها

۱. لایق	ـــــــ	ـــــــ
۲. ـــــــ	ـــــــ	خوب‌ترین
۳. ـــــــ	قشنگ‌تر	ـــــــ
۴. کوتاه	ـــــــ	ـــــــ
۵. ـــــــ	ـــــــ	سفیدترین



کلمه‌ها

الف	ب
می‌روم	پوشیدم
می‌خورم	نوشتم
می‌پوشم	گفتم
می‌نویسم	رفتم
می‌گفتم	خوردم



ذخیرهٔ لغت‌ها

۱. احمد آب بازی می‌کند.

۲. فرزانه درس می‌خواند.

۳. خوردن میوه‌ها فایده دارد.

۴. شمیم داکتر است.

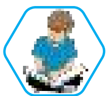
۵. میرویس چوکی می‌سازد.

۶. پدر فردوس باغ دارد.



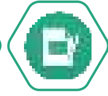
کلمه‌ها

خشکه	حوض
کتاب	چوب
زینه	صحت
شفاخانه	چشمه
راننده	نجار
کاغذ	باغبان



خوانش دوبارهٔ متن اول





حرف‌ها و کلمه‌ها



ثریا	عثمان	غوث	ث
سیب	مستوره	داس	س
صابره	فیصل	اخلاص	ص



قطع ایجاد صفا

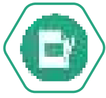


هوای پاک



داشتنِ هوای پاک و سالم، برای هر انسان ضروری می‌باشد.

وارث، به پدرش گفت: چگونه می‌توانیم هوای پاک داشته باشیم و از آلوده‌گی آن جلوگیری نماییم؟ پدرش گفت: فرزندم! برای داشتنِ هوای پاک و سالم، باید از بریدن و قَطع کردن جنگل‌ها و درختان خودداری کنیم. زباله‌ها را در کوچه و شهر نریزیم. هر سال در کوچه و محیطِ زنده‌گی خود، گُل و درخت بنشانیم. وارث گفت: بلی پدرجان! ما باید برای حفظ و ایجادِ فضای سبز در شهرها کوشش کنیم. زباله‌ها و اشیای بی‌کاره را در جای مشخص آن بریزیم. از آلوده‌گی هوا جلوگیری کنیم. در این صورت، هوای پاک، طبیعت سرسبز و با صفایی می‌داشته باشیم.



کلمه‌ها و جمله‌ها



۱. پشک احمد، سیاه است. این پشک از(او) است.
۲. من و خواهرم کتاب قصه خریدیم. این کتاب از ( ) است.
۳. این کتاب از من است. آن کتاب از ( ) است.
۴. این خانه از میلاد و آرش است. این خانه از ( ) است.
۵. من و بنفشه در کتاب‌خانه درس می‌خوانیم.
این کتاب‌خانه مربوط مکتب( ) است.

کلمه‌ها
او
ما
شما
آن‌ها

۱. فردوس درس بخوان! [!]
۲. احمد، با تبر به درخت مزن
۳. نفیسه گریه مکن
۴. احمد گل‌ها را مکن
۵. بهشته درس بخوان



ذخیرهٔ لغت‌ها



حمل جمعه بادام ثور
کشمش جوزا شنبه پسته
سرطان چهارمغز یکشنبه دوشنبه

روز های هفته
شنبه ____ ___ ____

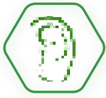
ماه‌های سال
حمل ____ ____ ____

میوهٔ خشک
کشمش ____ ____ ____



خوانش دوبارهٔ متن دوم



گوش دادن و صحبت کردن



اداره کردن احساسات و مهارت‌های مثبت اجتماعی: احساسات گوناگون مردم در بارهٔ یک کار یا یک حالت






نوشتن ابتکاری

چطور می‌توانید احساسات دوست خود را درک کنید؟
ما باید احساسات دیگران را درک کنیم.
به احساسات دیگران پاسخ درست دهیم.

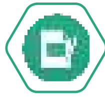
ما باید با دوستان خود صحبت کنیم.

____
____
____
____

گوش دادن
پرسیدن
احترام
کمک کردن




خوانش دوبارهٔ متن ۱-۲



کلمه‌ها و جمله‌ها



الف

۱. این قلم رنگه است. این قلم رنگه از (ما) است.

۲. فرشته و بهشته پیراهن خریدند. این پیراهن از ( )است

۳. سارا پنسل خرید. این پنسل از ( ) است.

۴. خط‌کش روی میز است. این خط‌کش از ( ) است.

کلمه ها
آن‌ها
او
ما
شما

ب

۱. درس بخوان!

۲. بازار مرو **!**

۳. شوخی مکن

۴. فرزندم مهربان باش

ج

گنجشک، خرگوش، دست، عقاب
گوش، پشک، پلنگ، بلبل، دهن

پرنده‌گان	حیوان‌ها	اعضای بدن
کبوتر	اسب	چشم
___	___	___
___	___	___



خوانش دوبارهٔ متن ۱–۲



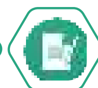






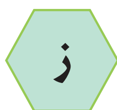
املا



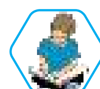


حرف و کلمه‌ها





زینه	رازق	روزه
زمزمه	زیبا	زرمینه
سبز	زلزله	فایز



اشتباه | گوناگون | صحت‌مند

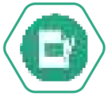


غَذای صحی

روزی فردوس، صمیم و احمد میله کردند. احمد از بازار بولانی و چپس خریده بود. صمیم و فردوس از خوردن بولانی و چپس خودداری کردند. احمد ناراحت شد و گفت: چرا بولانی و چپس نمی‌خورید؟ فردوس گفت: مادرم گفته است از چپس و بولانی بازار و نوشابه‌های گازدار استفاده مکنید؛ زیرا مریض می‌شوید. صمیم گفت: بلی! مادرم می‌گوید: ما به غَذاهای گوناگون ضرورت داریم. احمد گفت: راست گفتی، به اشتباه خود پی‌بردم. برای این‌که تندرست باشیم باید از غَذاهای گوناگون؛ مانند: میوه‌ها، سبزی‌ها و دیگر غَذاهای پاک و تازه استفاده کنیم.



آن‌ها با یک صدا گفتند: ما باید از غَذای‌های گوناگون و پاک استفاده کنیم تا صحت‌مند باشیم.



کلمه‌ها و جمله‌ها



۱. زمزمه قبل از خوردن غَذا دست‌هایش را می‌شوید.
(او) قبل از خوردن غَذا دست‌هایش را می‌شوید.
۲. فردین و آرش میوه‌ها را ناشسته نمی‌خورند.
(   ) میوه‌ها را ناشسته نمی‌خورند.
۳. من و نرگس قرآن شریف می‌خوانیم.
(   ) قرآن شریف می‌خوانیم.
۴. رازمحمد کتاب‌خانه می‌رود.
(   ) کتاب‌خانه می‌رود؟
۵. عزیز و وحید کتاب می‌خوانند.
(   ) کتاب می‌خوانند.

کلمه‌ها
او
من
آن‌ها
ما
شما



ذخیرهٔ لغت‌ها

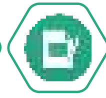


الف	ب
زیبا	نفع
فایده	ناتوان
ضعیف	آشتی
صلح	قشنگ
بالا	بلند



خوانش دوبارهٔ متن اول





کلمه‌ها و جمله‌ها



می‌گویم	من+ می‌گویم	من می‌گویم.
می‌گوییم	ما+ می‌گوییم	ما می‌گوییم.
می‌گویند	آن‌ها+ می‌گویند	آن‌ها می‌گویند.
می‌گویید	شما+ می‌گویید	شما می‌گویید.



فعالیت   سهم   زیان



نگهداری چشم‌ها

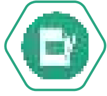
زینب شاگردِ لایق بود. او همیشه در فعالیت‌های درسی سهم می‌گرفت. او از کمپیوتر و موبایل استفاده زیاد می‌کرد . تلویزیون را هم از نزدیک نگاه می‌کرد.



با گذشت روزها زینب به خواندن درس کم علاقه شد. او در فعالیت‌های صنفی سهم نمی‌گرفت. روزی هم‌صنفی‌اش زمزمه، متوجه او شد و پرسید: زینب جان! در این روزها چرا درس نمی‌خوانی؟ زینب گفت: وقتی کتاب می‌خوانم سردرد می‌شوم. زمزمه گفت: باید نزد داکتر بروی. فردای آن روز، زینب با پدرش نزدِ داکتر رفت.

داکتر گفت: از کمپیوتر، موبایل و تلویزیون زیاد استفاده می‌کنی که به چشم‌هایت زیان رسانده است. بعد از این متوجه صحتِ خود باش.

زینب گفت: فهمیدم. دیدن تلویزیون از نزدیک و استفادهٔ بیش از حد از کمپیوتر و موبایل به چشم ضرر دارد. باید از آن‌ها دوری کنم و درس بخوانم.



جمله‌ها



: ،

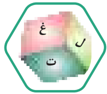
۱. مادرم گفت: خوردن غَذاهای غیر صحی ناپاک و نوشابه‌های گازدار به صحت ضرر دارند.

۲. ما باید از غَذاهای مانند میوه‌ها، سبزی‌ها و غذاهای پاک استفاده کنیم.

۳. داکتر گفت استفادهٔ زیاد از تلویزیون کمپیوتر و یا موبایل به چشمان‌تان ضرر دارد.

۴. زینب گفت من قلم خط‌کش پنسل و کتابچه دارم.

۵. معلم ما گفت کتاب کتابچه قلم و دیگر لوازم‌تان را خوب نگهدارید.



ذخیرهٔ لغت‌ها



الف	ب
آفتاب	تلاش
زیان	تندرست
کوشش	خوشی
سالم	خورشید
شادی	ضرر



خوانش دوبارهٔ متن دوم





گوش دادن و صحبت کردن





مهارت‌های مثبت اجتماعی و حل منازعات: دوست‌خوب





نوشتن ابتکاری



احمد و راشد دوستان خوب استند.

آن‌ها با هم یکجا توپ‌بازی می‌کنند.

____

____

یک روز راشد مریض بود.

____

احمد نگران او بود؛ زیرا راشد از درس‌ها عقب می‌ماند.

____

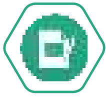
راشد به احمد گفت: شما دوست خوبی استید.

گوش دادن
مکتب
درس
کمک



خوانش دوباره متن






کلمه‌ها و جمله‌ها

الف

۱. آرش مکتب می‌رود.
(او) مکتب می‌رود.
۲. من و سهراب کتاب‌خانه می‌رویم.
(   ) کتاب‌خانه می‌رویم.
۳. شمیم و بهار بازار رفتند.
(   )بازار رفتند.
۴. حمید، فرهاد و فرید مطالعه می‌کنند.
(   ) مطالعه می‌کنند.

کلمه‌ها
او
من
ما
شما
آن‌ها

ب

غم	روشنایی
آرام	خورشید
نور	اندوه
آفتاب	راحت
امید	آرزو

ج

: ،

۱. بهشته گفت: نخیر! ما به غَذاهای گوناگون؛ مانند:
سبزی‌ها، میوه‌ها و لبنیات ضرورت داریم.
۲. فردوس گفت ما باید چشم‌های خود را از گرد دود خاک و روشنایی زیاد نگهداری کنیم.
۳. زرمینه پرسید خوردن سیب ناک انگور و تربوز چه فایده دارد؟
۴. معلم گفت به پدر مادر خواهر و برادرتان مهربان باشید.



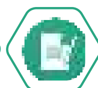

خوانش دوبارهٔ متن ۱-۲







املا



حرف و کلمه‌ها





ذکی	کاغذ	ذره بین
غذا	ذاکره	ذاکر
لذیذ	نفوذ	تذکره



سراسیمه   اسهال   مایعات

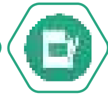


صحت ثروت است

خانوادهٔ ذکیه در یک روستای دور دست زنده‌گی می‌کرد. ذکیه داکتر بود.



روزی زن همسایه‌اش سراسیمه به خانهٔ ذکیه آمد و گفت: پسرم ذاکر اسهال است. ذکیه نزد مریض رفت. دید که آب بدن ذاکر کم گردیده، رنگش زرد شده و تشنه است. ذکیه، پودر او.آر.اس آماده ساخت، به ذاکر داد و گفت: به ذاکر مایعات کافی و غَذاهای مناسب بدهید؛ هم‌چنان افزود: برای این‌که به اسهال گرفتار نشویم؛ باید از آب پاک استفاده کنیم. پس از رفتن به تشناب، دست‌های خود را با آب و صابون بشوییم. از غَذاهای ناپاک و شب‌مانده استفاده نکنیم. سبزی‌ها و میوه‌ها را ناشسته نخوریم. زن همسایه، رهنمایی‌های ذکیه را عملی کرد. بعد از آن خود و کودکانش مریض نمی‌شدند.

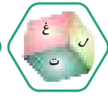


کلمه‌ها و جمله‌ها



۱. ذکیه امروز مریض بود.
(او   ) امروز مریض بود.
۲. من و برادرم غَذا می‌خوریم.
(   ) غَذا می‌خوریم.
۳. عبدالله و فردوس کتاب‌خانه رفتند.
(   ) کتاب‌خانه رفتند.
۴. بهار با مادرش فردا بازار می‌رود.
(   ) با مادرش فردا بازار می‌رود.
۵. پدرکلان از مصطفی و محمود پرسید:
(   ) در صنف چندم درس می‌خوانید؟

کلمه‌ها
او
من
ما
شما
آن‌ها



ذخیرهٔ لغت‌ها

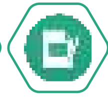


۱.	خوبتر	بهتر	خراب	کلان
۲.	سودمند	دلیر	ضرر	مفید
۳.	ضعیف	قهر	ناتوان	قوی
۴.	قهر	شجاع	خوشی	غضب
۵.	صبور	بردبار	کمک	بی‌حوصله
۶.	کلان	زیبا	بزرگ	کوچک



خوانش دوبارهٔ متن اول





کلمه‌ها و جمله‌ها



می‌رفتم	من+ می رفتم	من می‌رفتم.
می‌رفتیم	ما+ می رفتیم	ما می‌رفتیم.
می‌رفتند	آن‌ها+ می‌رفتند	آن‌ها می‌رفتند.
می‌رفتید	شما+ می‌رفتید	شما می‌رفتید.



دهکده | واکسین | نجات

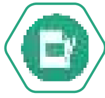


واکسین

ذاکر و ذکی به دهکده‌یی رفتند تا کودکان را واکسین نمایند. دروازه‌یی را تَک تَک زدند. ذاکره در را باز کرد و گفت: ای وای! شما باز آمدید؟ یکبار پسرم را واکسین نمودید، او تَب کرد. دیگر نمی‌خواهم واکسین شود. ذاکر و ذکی نگران شدند و گفتند: هیچ کودکی نباید بدونِ واکسین بماند. ذکی نزدِ بزرگِ دهکده رفت. موضوع را با او در میان گذاشت. بزرگ دِهکده به خانهٔ ذاکره آمد و گفت: واکسین، کودکان را از مریضی‌های خطرناک نجات می‌دهد. تب‌کردن کودکان، بعد از واکسین عادی است.



ذاکره فهمید و کودکانش را با خُرسَندی واکسین کرد. او از ذکی، ذاکر و بزرگِ دهکده سپاس‌گزاری نمود.



جمله‌ها



: ،

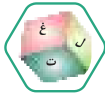
۱. ذکیه گفت: واکسین کودکان را از مریضی‌های خطرناک نجات می‌دهد.

۲. طناز به ثریا گفت آلوبالو، شفتالو، سیب و انگور را خوش دارم.

۳. تمیم گفت پدر مادر خواهر و برادرم به سفر می‌روند.

۴. مادر گفت خوردن سبزی‌ها مانند پالک زردک و بامیه فایده دارد.

۵. معلم گفت کلمه نماز روزه زکات و حج از جملهٔ پنج بنای اسلام است.



ذخیرهٔ لغت‌ها

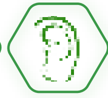


۱.	بزرگ	نزدیک	کوچک	کلان
۲.	مشکل	قلم	آسان	سخت
۳.	مقبول	کتابچه	نازیبا	زیبا
۴.	قوی	خط کش	نیرومند	ضعیف
۵.	خنده	نشاط	کتاب	غمگین
۶.	دلیر	دلاور	ترسو	قلم‌رنگه



خوانش دوبارهٔ متن دوم





گوش دادن و صحبت کردن





مهارت‌های مثبت اجتماعی: باهم کار کردن





نوشتن ابتکاری



ذکیه می‌خواهد گل‌های باغچه را آبیاری کند.

باغچهٔ آن‌ها گل‌های زیاد دارد.

کار
کمک
احمد

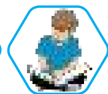
____

____

____

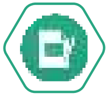
ذکیه از برادر خود تشکر کرد.

او گفت: ما باید با یک‌دیگر همکاری کنیم.



خوانش دوبارهٔ متن ۱-۲





کلمه‌ها و جمله‌ها



الف

او
ما
شما
آن‌ها

۱. احمد غَذا می خورد.
(او   ) غَذا می‌خورد.
۲. نصیر و احمد درس می‌خوانند.
(   ) درس می‌خوانند.
۳. من و پدرم لباس می‌خریم.
(   ) لباس می‌خریم.
۴. شمیم کتاب قصه می‌خواند.
(   ) کتاب قصه می‌خواند؟

ب

۱.	خورد	میز	کوچک	بزرگ
۲.	ذکی	صحت	هوشیار	بی فکر
۳.	آسایش	چوکی	ناآرامی	آرامی
۴.	بلند	بالا	خانه	کوتاه

ج

: ،

۱. حمید گفت: فردا با پدر، مادر و برادرم به تفریح می‌رویم.
۲. معلم گفت فصل‌های سال شامل بهار تابستان خزان و زمستان می‌شود.
۳. پدرم گفت اتحاد و اتفاق سبب صلح و دوستی می‌شود.
۴. خواهرم به من گفت روزهای هفته شنبه یک‌شنبه دوشنبه سه‌شنبه چهارشنبه پنج‌شنبه و جمعه است.



خوانش دوبارهٔ متن ۱-۲



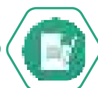






املا





حرف‌ها و کلمه‌ها



ذ	ذره بین	لذیذ	ذکیه
	کاغذ	ذخیره	زینه
ز	زنبور	زردک	زمزمه



بیمار — نشاط — احساس



ورزش

زُبیر پسر زیرک و باهوشی بود. او همیشه درس می‌خواند؛ اما ورزش نمی‌کرد.



زُبیر گاه خسته به نظر می‌رسید و گاه بیمار می‌بود. این حالت سبب می‌شد تا به درس‌هایش رسیده‌گی نتواند.

روزی او خسته در گوشهٔ صنف نشسته بود که معلم آمد و گفت:

شاگردان عزیز!

نام من ذاکر است. من معلم ورزش شما استم. بیایید به میدان ورزش برویم و ورزش کنیم.

شاگردان به میدان ورزش رفتند و به تمرین پرداختند.

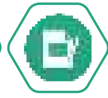
معلم به شاگردان گفت: ورزش باعث نشاط و سلامتی شما می‌گردد.

هر روز تمرین کنید تا صحتمند و تندرست باشید.

زُبیر با علاقه‌مندی ورزش کرد و خوش شد.

زبیر از آن روز به بعد هر روز ورزش می‌کرد.

او دیگر احساس خسته‌گی نمی‌کرد و درس‌هایش را منظم می‌خواند.

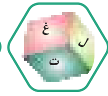


کلمه‌ها و جمله‌ها



۱. کتاب‌خانه می‌روم.
(من) کتاب‌خانه می‌روم.
۲. من و منیژه مکتب می‌رویم.
(   ) مکتب می‌رویم.
۳. سهراب همیشه قبل از غذا دست‌هایش را می‌شوید.
(   ) همیشه قبل از غذا دست‌هایش را می‌شوید.
۴. آرش و رستم با هم ورزش می‌کنند.
(   ) ورزش می‌کنند.
۵. فرید با خانواده‌اش میله می‌رود.
(   ) با خانوادهٔ خود میله می‌رود؟

کلمه ها
- من
- ما
- او
- آن‌ها
- شما



ذخیرهٔ لغت‌ها

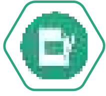


۱.	آفتاب	تاریکی	خورشید	دریا
۲.	شجاع	دلیر	کوه	ترسو
۳.	نقص	فایده	ضرر	گرفتار
۴.	شادی	خوشی	غم	آشتی
۵.	آرام	ناآرام	راحت	کتابچه
۶.	سلامت	پنسل	مریض	تندرست



خوانش دوبارهٔ متن اول

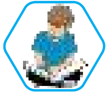




کلمه‌ها و جمله‌ها



می خوانم	من+ می‌خوانم	من می‌خوانم.
می خوانیم	ما+ می‌خوانیم	ما می‌خوانیم.
می خوانند	آن‌ها+ می‌خوانند	آن‌ها می‌خوانند.
می خوانید	شما+ می‌خوانید	شما می‌خوانید.



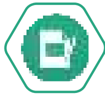
آفرینش — آرامیده — نِجابت



پاکیزه‌گی و سلامتی



دختـــــرک فـــریاد بر زد — دست و رویش را بـه در زد
حالِ او خیلی به هـــم خورد — وقتی رفت و با او سر خورد
دختَرک شخصـــی که دیـده — چِرک و چرب و خواب برده
از نجاست جسـم و جانــش — زَرد و زار، آزرده حــــالش
دختــرک گفــتش عـزیزم! — خاک بر ســر، مــن بریزم
ای عـــزیزِ آفـــــرینش — داری عقـــل و نـورِ دانـش
از صحـت دوری چـــرا تو؟ — سرد و دل‌خوری چـــرا تو؟
لطفــاً ای نور دو دیـــده — پــاک باش و آرمیـــده
با نظافـــت شاد گردیـــم — از مـــرض آزاد گــــردیم
از صحــــت، شـادی برآیـد — نــــور و آزادی برآیـــد
با صحت سر شار باشیـــم — با نِجابـــت یار باشیـــم
با صحت هر کس صفا شد — بندهٔ خـــوب خدا شـــد

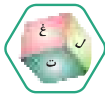


جمله‌ها



: ،

۱. فرهاد از پدرش پرسید: ماه‌های میزان، عقرب و قوس مربوط کدام فصل می‌شوند؟
۲. معلم به شاگردان گفت فردا سیر علمی می‌رویم.
۳. آرش علی فرزانه و دیبا به معلم‌شان گفتند فردا امتحان ما را می‌گیرید؟
۴. معلم گفت سیب ناک انگور و انار به صحت فایده دارد.
۵. خواهرم گفت برای رسامی قلم‌رنگه پنسل و کاغذ سفید ضرورت.



ذخیرهٔ لغت‌ها



۱.	درست	نادرست	صحیح	بهار
۲.	زیبا	قشنگ	شیرین	روشن
۳.	زشت	نیک	بد	تلخ
۴.	صلح	ناآرامی	آرامی	تخته
۵.	گرمی	حرارت	قلم	سردی
۶.	کوشش	کاغذ	تلاش	تنبلی



خوانش دوبارهٔ متن دوم





گوش دادن و صحبت کردن





مهارت‌های مثبت اجتماعی: آزار و اذیت کردن





نوشتن ابتکاری



احمد و راشد دوستان خوب‌اند. آن‌ها همیشه یکجا باهم توپ‌بازی می‌کنند؛ اما زلمی راشد را آزار و اذیت می‌کند.
زلمی همیشه کتاب‌های راشد را بدون اجازه می‌گیرد و کتاب‌های او را پاره می‌کند.

ناراحت
گریه
دوست
جلوگیری

____

____

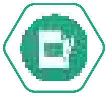
____

____



خوانش دوبارهٔ متن ۱-۲






کلمه‌ها و جمله‌ها

الف

کلمه ها
او
من
ما
شما
آن‌ها

۱. عبدالله هر صبح ورزش می‌کند.
(   ) هر صبح ورزش می‌کند.
۲. گل‌ها را آب دادم.
(   ) گل‌ها را آب دادم.
۳. حمید و فرید یکجا مکتب می‌روند.
(   ) یکجا مکتب می‌روند.
۴. من و خواهرم در کارهای خانه کمک می‌کنیم.
(   ) در کارهای خانه کمک می‌کنیم.
۵. احمد و علی روزهای جمعه میله می‌روند.
(   ) روزهای جمعه میله می‌روند.

ب

۱. ذکی	میز	هوشیار	نادان
۲. کلان	کوچک	بزرگ	کتاب
۳. سعی	درس	کوشش	تنبل
۴. پاکی	دروازه	صفایی	کثیف

ج

: ،

۱. الهام گفت: روزهای شنبه، دوشنبه و سه شنبه ورزش می‌کنم.
۲. بهار گفت قلم کتابچه رنگه و کتاب‌هایم در بکس است.
۳. داکتر پرسید سیب انار و بهی به صحت چه فایده دارند؟
۴. معلم گفت ماه‌های فصل بهار عبارت‌اند از حمل ثور و جوزا.



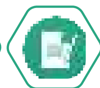

خوانش دوبارهٔ متن ۱-۲







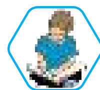
املا



حرف و کلمه‌ها



ظرف	نظیف	حفاظت	ظ
نظیفه	محفوظ	ظفر	
حافظ	ظاهر	حفیظ	



افتتاح | شکوه | دانشمندان



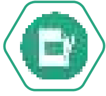
غزنی مرکز فرهنگی جهان اسلام



همه خوشحال به نظر می‌رسیدند. ظاهره و ظریف با پدرشان در افتتاح مرکز فرهنگی جهان اسلام به غزنی آمده بودند.

ظاهره از پدرش پرسید: چرا از میان کشورهای اسلامی غزنی مرکز فرهنگی جهان اسلام انتخاب شده است؟

پدرش گفت: غزنی در گذشته مرکز امپراتوری سلطان محمود غزنوی یکی از پادشاهان جهان اسلام بود. آثار تاریخی و فرهنگی زیادی در این ولایت وجود دارد. در دربار سلطان محمود غزنوی بیش از چهارصد شاعر و نویسنده وجود داشت. در آن زمان در ولایت غزنی برای رشد فرهنگ و تمدن اسلامی کار زیاد شده بود. منارها، بالاحصار قدیمی و مقبره‌های دانشمندان بزرگ به شکوه غزنی افزوده است. به همین دلیل غزنی مرکز فرهنگی جهان اسلام انتخاب شد. ظاهره و ظریف از معلومات پدرشان خوشحال شدند.



کلمه‌ها و جمله‌ها



۱. جلال با پدرش به موزیم می‌رود.

(او) با پدرش به موزیم می‌رود.

۲. حسیب گفت: از آبده‌های تاریخی حفاظت کنیم.

(او) گفت: از آبده‌های تاریخی حفاظت کنیم.

۳. فردوس، آرش و سهراب از طاق ظفر کابل دیدن خواهند کرد.

(   ) از طاق ظفر کابل دیدن خواهند کرد.

۴. من با برادرم به دیدن بالاحصار رفته بودم.

(   ) به دیدن بالاحصار رفته بودیم.

۵. احمد و فرید به کتاب‌خانه می‌روند.

(   ) به کتاب‌خانه می‌روند.

کلمه‌ها

آن‌ها
او
ما
شما



ذخیرهٔ لغت‌ها



۱. من شاگرد صنف سوم استم.

۲. میهن خود را دوست دارم.

۳. ورزش به ______ فایده دارد.

۴. من و پدرم از ______ دیدن کردیم.

۵. ما به میلهٔ ______ می‌رویم.

۶. حویلی ما گل‌های ______ دارد.

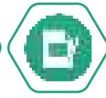
کلمه‌ها

(کتاب،	سوم)
(میهن،	چشمه)
(دریا،	صحت)
(منارجام،	کاغذ)
(آسمان،	گل سرخ)
(رنگارنگ،	جنگل)



خوانش دوبارهٔ متن اول





کلمه‌ها و جمله‌ها



می‌روم	من+ می‌روم	من می‌روم.
می‌خواند	او+ می‌خواند	او می‌خواند.
خواهندگفت	آن‌ها+ خواهندگفت	آن‌ها خواهند گفت.
خوردیم	ما+ خوردیم	ما خوردیم.



دفاع — فراهم — روحیه



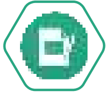
میهن ما

ظریفه در صنف ناراحت به نظر می‌رسید. معلم پرسید: ظریفه جان! چرا ناراحت استی؟ ظریفه گفت: پدرم در اُردوی ملی وظیفه دارد. فردا به یکی از ولایت‌های دور می‌رود . این بار نمی‌گذارم که او از ما دور شود. معلم گفت: ناراحت نباش! وطن مانند مادر است. او بالای هر کدام ما حق دارد. تو باید افتخار کنی و خوش باشَی که پدرت از میهن دفاع می‌کند. ببین ما راحت نشسته‌ایم. درس می‌خوانیم. شب آرام می‌خوابیم. این راحتی و آسایش را پدر تو و هم‌سنگرانش برای‌ما فراهم کرده اند.



ظریفه گفت: تشکر معلم صاحب! من با داشتن چنین پدری افتخار می‌کنم.

شاگردان با یک صدا گفتند: ما هم برای میهن خود خدمت می‌کنیم.



جمله‌ها

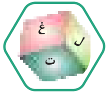


حال

۱. من قصه می‌خوانم.
۲. برادرم بازار می‌رود.
۳. حارث گل‌ها را آب می‌دهد.
۴. جمیله مقاله می‌نویسد.
۵. حامد قبل از غَذا دست‌های خود را می‌شوید.

آینده

۱.من قصه خواهم خواند.
۲.برادرم بازار خواهد رفت.
۳.حارث گل ها را آب_____.
۴.جمیله مقاله________.
۵.حامد قبل از غَذا دست‌های خود را ________.



ذخیرهٔ لغت‌ها



۱. با کودکان شفقت کنید.
۲. بهار فصل اول سال است.
۳. میوه ها را ______ نخورید.
۴. صحت ______ است.
۵. غزنی مرکز فرهنگی ______ انتخاب شد.
۶. شاخه های ______ را قطع نکنید.

کلمه‌ها

شفقت	آب
بهار	سنجد
گل	ناشسته
ثروت	شاگرد
نگهداری	جهان اسلام
سبزه	درختان



خوانش دوبارهٔ متن دوم





گوش دادن و صحبت کردن





حل منازعات: شناسایی آزار و اذیت





نوشتن ابتکاری



ظریفه شاگرد صنف چهارم، هر روز نظیفه را آزار و اذیت می‌کرد.
ظریفه، نظیفه را اذیت می‌کرد.

____

ظاهره از خواهر کوچک خود نظیفه پرسید:
چرا ناراحت استی؟ نظیفه به خواهر خود قصه کرد.

____

ظاهره گفت: من با ظریفه در این مورد صحبت می‌کنم.
آزار و اذیت دیگران کار خوب و مناسب نیست.

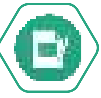
____

ناراحت
آزار
تشکر



خوانش دوبارهٔ متن ۱-۲





کلمه‌هاو جمله‌ها



الف

کلمه‌ها
ما
من
آن‌ها
او
شما

۱. (من) کارخانه‌گی خود را انجام دادم.

۲. (   ) سیب می‌خورد.

۳. (   ) مطالعه می‌کنند.

۴. (   ) از بازار کتاب خریدیم.

۵. (   ) فردا مکتب می‌روید؟

ب

۱. مادر ثریا _____ است.	(کتاب داکتر)
۲. ما _____ می‌خواهیم.	(صلح دهقان)
۳. خوردن _____ فایده دارد.	(عسل قلم)
۴. _____ خانهٔ ما است.	(کوه وطن)
۵. عزیز _____ می رود.	(مکتب مجله)

ج

حال	آینده
۱. دهقان گندم را درو کرد.	دهقان گندم را درو خواهد کرد.
۲. زرمینه رسامی می‌کند.	زرمینه رسامی خواهد کرد.
۳. احمد با خانواده‌اش به تفریح می‌رود.	احمد با خانواده‌اش به تفریح _____
۴. من درس‌هایم را می‌خوانم.	من درس‌هایم را _____



خوانش دوبارهٔ متن ۱-۲



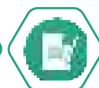






املا



حرف و کلمه‌ها



ضیا	فیض	ضعیف	ض
فضیله	ضمیره	فیضان	
فیاض	فاضل	ضابط	



واحد پول | سرمایۀملی | دقت

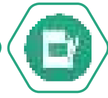


پولِ‌ما

روزی فیاض به فرزندانش ضمیره و ضیا کفش‌های زیبا آورد و گفت: عزیزانم! می‌دانید کفش‌ها را چند افغانی خریده‌ام؟



آن‌ها گفتند: نخیر! فیاض گفت: هر جورهٔ آن را دوصد افغانی خریده‌ام. ضمیره و ضیا پرسیدند: افغانی چیست؟ فیاض گفت: پول هر کشور، نام خاص دارد. نامِ پولِ کشورِ ما، افغانی است. کوچک‌ترین واحدِ پولی‌ما یک افغانی و بزرگ‌ترین واحدِ آن هزار افغانی می‌باشد. ما، در بدلِ هر چیزی که از بازار می‌خریم، پول می‌پردازیم، در بدلِ وظیفه‌یی که انجام می‌دهیم، پول به دســـت می‌آوریم. پولِ افغانی سرمایهٔ ملی ما است. باید در حفظ و نگهداری آن دقت کنیم. ضمیره و ضیا گفتند: تشکر پدر جان! پولِ خود را درست نگهداری خواهیم کرد.



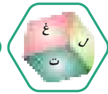
کلمه‌ها و جمله‌ها



کلمه‌ها

ما
آن‌ها
او
شما
من

۱. من با خانواده‌ام به سفر می‌روم.
۲. ـــــــ گل‌های لاله را خوش دارد.
۳. ـــــــ نهال‌شانی می‌کنند.
۴. ـــــــ و خانواده‌ام از ولایت بامیان دیدن کردیم.
۵. ـــــــ کدام روزها به کتاب‌خانه می‌روید؟



ذخیرهٔ لغت‌ها



کلمه‌ها

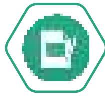
افغانستان	دریا
درهم	افغانی
میلهٔ گل سرخ	لاله
سیر علمی	کاغذ
حوض	خانهٔ ما
کوه	چهار فصل

۱. وطن‌ما افغانستان است.
۲. واحد پولی‌ما ـــــــ است.
۳. مردم چه وقت به ـــــــ می‌روند؟
۴. معلم شاگردان را به ـــــــ می‌برد.
۵. شهرما ـــــــ است.
۶. یک سال ـــــــ دارد.



خوانش دوبارهٔ متن اول





کلمه‌ها و جمله‌ها



می‌رفتم	من + می‌رفتم	من می‌رفتم.
گفتند	آن‌ها+ گفتند	آن‌ها گفتند.
خواهد نوشت	او+ خواهد نوشت	او خواهد نوشت.
می‌رویم	ما+ می‌رویم	ما می‌رویم.



باستان | شاد | سفره



میلهٔ گُلِ سرخ

فصل بهار بود. ضیا وسایل سفر را آماده کرد. به خانواده‌اش گفت: آماده شوید، جایی می‌رویم. ضمیره و فایض پرسیدند:

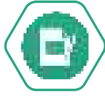


کجا می‌رویم؟ ضیا گفت: بیایید سوارِ موتر شوید، خواهید فهمید. آن‌ها سوارِ موتر شدند و از کنارِ دره‌های زیبا و کوهای بلند گذشتند. ضیا موتر را کنارِ دروازهٔ بزرگی توقف داد.

آن‌جا نوشته شده بود: (بلخِ باستان). فایض گفت: واه! بلخ آمده‌ایم. ضمیره گفت: این‌جا مزارِشریف است. پدرشان گفت: فرزندانم! مزار شریف مرکز بلخ است.

آن‌ها شاد بودند. همه جا سفره‌ها پر از سمنک و هفت‌میوه بود.

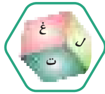
پدرشان گفت: این‌جا میلهٔ گُلِ سُرخ است. میلهٔ گل سرخ از میله‌های قدیمی کشورما می‌باشد. این میله، از اول نوروز تا چهل روز ادامه دارد.



جمله‌ها



حال	آینده
۱. من به سفر می‌روم.	۱.من به سفر خواهم رفت.
۲. عبدالله پول را خوب نگه‌می‌دارد.	۲.عبدالله پول را خوب نگه خواهد کرد.
۳. احمد آب‌بازی می‌کند.	۳.احمد آب‌بازی ______.
۴. منیژه میوه می‌خورد.	۴.منیژه میوه ______.
۵. رویا چند جمله در بارهٔ وطن می‌نویسد.	۵.رویا چند جمله در بارهٔ وطن ______.



ذخیرهٔ لغت‌ها



۱. در دشت گل‌های لاله می روید.

۲. من ______ را خوب نگهداری می کنم.

۳. کتاب‌خانه جای مناسب برای ______ است.

۴. به بزرگان ______ داشته باشیم.

۵. اتحاد و اتفاق سبب ______ ما می‌گردد.

۶. در فضای ______ بهتر درس خوانده می توانیم.

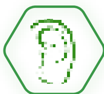
کلمه‌ها

دشت	آسمان
شاگرد	پول افغانی
مطالعه	مکتب
احترام	مهربان
پیروزی	قهر
صلح	چهار فصل



خوانش دوبارهٔ متن دوم








گوش دادن و صحبت کردن

حل منازعات: آزار و اذیت و عکس‌العمل شاگردان






نوشتن ابتکاری

ظریفه هنوز هم نظیفه را آزار و اذیت می‌کند.
او بسیار ناراحت است و نمی‌خواهد به مکتب برود.

______

______

هم‌صنفان نظیفه تصمیم گرفتند که او را کمک نمایند.
آن‌ها به معلم خود گفتند: ظریفه، نظیفه را آزار و اذیت می‌کند.

______

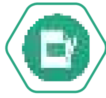
ظاهره و هم‌صنفانش خوش بودند که ظریفه حالا نظیفه را آزار و اذیت نمی‌کند.

______

پدر و مادر
مکتب
نصیحت
خوش




خوانش دوبارهٔ متن ۱-۲



کلمه‌هاو جمله‌ها



الف

کلمه‌ها
ما
آن‌ها
او
شما
من

۱. من با پدر و مادرم میله می‌روم.

۲.____ کتاب می‌خوانند.

۳.____ داکتر است.

۴.____ با کی به سفر می‌روید؟

۵.____ کارخانه‌گی خود را انجام دادیم.

ب

۱. فردا ____ داریم.	(امتحان شهر)
۲. من ____ های خود را بی‌جا مصرف نمی‌کنم.	(قلم پول)
۳. روز اول سال ____ است.	(نوروز خزان)
۴. یک ماه ____ روز است	(سی صد)
۵. در فصل تابستان ____ پخته می‌شوند.	(گل میوه‌ها)

ج

حال	آینده
۱. من نامه می‌نویسم.	من نامه خواهم نوشت.
۲. فرهاد با پدرش به سفر می‌رود.	فرهاد با پدرش به سفر خواهند رفت.
۳. من به مکتب می‌روم.	من به مکتب خواهم ____.
۴. چند جمله در مورد صلح می‌نویسم.	چند جمله در مورد صلح ____.



خوانش دوبارهٔ متن ۱-۲



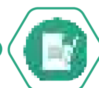






املا





حرف‌ها و کلمه‌ها



ظاهر	حفیظ	ظرف	ظ
نظیف	افضل	حوض	ض
ضیا	فضیله	ضابط	



آرامگاه — مشهور — جاویدان



رابعهٔ بلخی

روزی ظاهره و خانواده‌اش به ولایتِ بلخ سفرکردند. آن‌ها، به دیدنِ جاهای تاریخی بلخ رفتند. وقتی به آرامگاهِ رابعهٔ بلخی رسیدند، ضیا برادرِ ظاهره گفت: این آرامگاهِ دقیقی بلخی است.

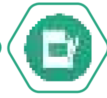


ظاهره گفت: نه! این آرامگاهِ رابعهٔ بلخی است. آن‌ها به گفتگو پرداختند. پدرشان آمد و گفت: چرا گفتگو می‌کنید؟

پدر، هردو را آرام ساخت و گفت: این آرامگاهِ رابعه است. رابعه نخستین شاعرِ زن و یکی از چهره‌های مشهور زبان دری است.

رابعه، از کودکی به آموزشِ علم علاقه داشت و برخی از دانش‌های آن روزگار را فراگرفت.

رابعه شعرهای زیادی سروده که نامش همیشه جاویدان خواهد بود. ضیا وقتی فهمید، از خواهرش عذرخواهی کرد و هردو خوشحال شدند.



کلمه‌ها و جمله‌ها



۱. (آن‌ها) بازار می‌روند.

۲. (   ) با برادرش کتاب می‌خواند.

۳. (   ) هر روز قرآن شریف می‌خوانید.

۴. (   ) باهم درس می‌خوانیم.

۵. (   ) هر روز صبحانه می‌خورم.

کلمه‌ها

آن‌ها
ما
او
شما
من



ذخیرهٔ لغت‌ها



۱. آرامگاه رابعهٔ بلخی در بلخ است.

۲. من هر روز ______ می‌خورم.

۳. خوردن میوهٔ ناشسته به ______ ضرر دارد.

۴. صبر در زنده‌گی ______ بار می‌آورد.

۵. خزان فصل ______ سال است.

۶. من یک مقاله در بارهٔ ______ می‌نویسم.

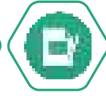
کلمه‌ها

ننگرهار	بلخ
صبحانه	کاغذ
باغ	صحت
سعادت	ناکامی
سوم	هشتم
صداقت	دوم



خوانش دوبارهٔ متن اول





کلمه‌ها و جمله‌ها



خواست	او+ خواست	او خواست.
رسیدم	من+ رسیدم	من رسیدم.
خواهد گفت	او + خواهد گفت	او خواهد گفت.
ساختند	آن‌ها+ ساختند	آن‌ها ساختند.



نثار — دیار — شکوه

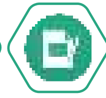


وطن! عشق تو افتخارم



جشنِ استقلالِ کشور بود. شاگردانِ مکتب، در این جشن اشتراک نموده بودند. معلم از گروهِ ترانه خواست، تا ترانهٔ وطن را بخوانند. ضمیره و حفیظه که سرگروهِ تیمِ ترانه بودند، ترانهٔ وطن را این‌گونه خواندند:

وطن! عشـــقِ تو افتخـــارم — وطن! در رهت جان نثـارم
وطن خاکِ پاکـت بهشتـــم — وطن گُلخَنَـتـ لالـه زارم
به من هر کجایی که باشـم — تویی جانفزا، ای دیـــارم
وطن عاشقم بر شکوهــــت — به از دُر بُوَد سنگِ کوهـت
وطن قلبِ من هستی‌یی من — بُوَد رگ رگم پُر ز خونــت
ز تو همچو گُل بِشکُفَـد دل — اگر در خـــزان یا بهـــارم
وطن عشقِ تو افتخــــــارم — وطن در رَهَـت، جان نثارم



جمله‌ها



حال

۱. آرش کتاب می‌خواند.

۲. باغبان گل‌ها را آب می‌دهد.

۳. ثریا با خواهرش درس می‌خواند.

۴. من به دیدن حیوان‌ها به باغ وحش می‌روم.

۵. دهقان در مزرعه کار می‌کند.

آینده

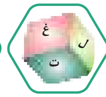
۱.آرش کتاب خواهد خواند.

۲.باغبان گل‌ها را آب خواهد داد.

۳.ثریا با خواهرش درس ______.

۴.من به دیدن حیوان‌ها به باغ وحش ______.

۵.دهقان در مزرعه کار______.



ذخیرهٔ لغت‌ها



۱. خداوند ﷻ نیکوکاران را دوست دارد.

۲. من در درس‌ها با ______ کمک می‌کنم.

۳. ژاله ______ را پژمرده می‌سازد.

۴. هنگام گذشتن از ______ احتیاط کنید.

۵. انسان ______ را همه دوست دارند.

۶. در ______ برف می‌بارد.

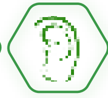
کلمه‌ها

نیکوکاران	دروغگویان
هم‌صنفانم	دهقان
باغبان	گل‌ها
سرک	حویلی
راستکار	فریب‌کار
زمستان	تابستان



خوانش دوبارهٔ متن دوم





گوش دادن و صحبت کردن



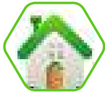


حل منازعات: آزار و اذیت دیگران





نوشتن ابتکاری



ذبیح شاگردان را در میدان بازی آزار و اذیت می‌کند.

او هنگام درس خواندن به شاگردان مزاحمت می‌کند.

____

____

____

____

معلم
کمک
دوستان
خوشحال



خوانش دوبارهٔ متن ۱-۲



کلمه‌ها و جمله‌ها



الف

کلمه‌ها: ما، آن‌ها، او، شما

۱. محمود کارهای خانه‌گی خود را انجام می‌دهد.
(او) کارهای خانه‌گی خود را انجام می‌دهد.
۲. من و زینب در صنف درس می‌خوانیم.
(   ) در صنف درس می‌خوانیم.
۳. عبدالله و امین شاگردان لایق استند.
(   ) شاگردان لایق استند.
۴. تو و احمد به خواندن شعر علاقه دارید.
(   ) به خواندن شعر علاقه دارید.

ب

۱. پایتخت کشور ما ____ است.	(کابل، مزار)
۲. یک هفته ____ است.	(ده روز، هفت روز)
۳. بیرق ما ____ دارد.	(سه رنگ، پنج رنگ)
۴. در زنده‌گی خود ____ باشید.	(امانت‌دار، تنبل)

ج

حال	آینده
۱. آرش کتاب می‌خواند.	۱. آرش کتاب خواهد خواند.
۲. باغبان گل‌ها را آب می‌دهد.	۲. باغبان گل‌ها را آب خواهد داد.
۳. ثریا با خواهرش درس می‌خواند.	۳. ثریا با خواهرش درس ______.
۴. من به دیدن حیوان‌ها به باغ وحش می‌روم.	۴. من به دیدن حیوان‌ها به باغ وحش ______.
۵. دهقان در مزرعه کار می‌کند.	۵. دهقان در مزرعه کار______.

خوانش دوبارهٔ متن ۱-۲





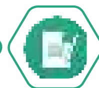




املا

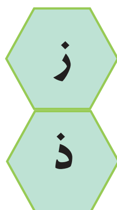






حرف‌ها و کلمه‌ها





زیبا	سبزه	تربوز	ز
زمزمه	غذا	کاغذ	ذ
ذاکره	ذره‌بین	ذکی	



نجات | مِسواک | متوجه



نظافتِ شخصی

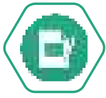


نظیفه و برادرش فایز، بازی می‌کردند. فایز دست‌هایش را به چشم‌هایش می‌مالید. نظیفه گفت: دست‌های ناپاکت را به چشم‌هایت مزن. فایز گفت: دست‌هایم پاک است. ناگهان میکروب از زیر ناخُنش صدا زد: من دُشمنِ صحتِ شما استم.

فایز پرسید: تو کیستی؟ میکروب گفت: من، بسیار کوچک استم. مرا دیده نمی‌توانید.

آن‌ها از میکروب ترسیدند و از مادرشان پرسیدند: چه کنیم تا از ضررِ میکروب‌ها نِجات یابیم؟

مادرشان گُفت: ناخُن‌های خود را بگیریم. بعد از رفتن به تشناب، دست‌های خود را با آب و صابون بشوییم. دندان‌های خود را مِسواک یا برس بزنیم. فایز و نظیفه، دست‌های خود را با آب و صابون شُستند و گفتند: متوجه نظافت خود می‌باشیم.



کلمه‌ها و جمله‌ها



۱. فایز دست‌های خود را می‌شوید. (او) دست‌های خود را می‌شوید.
۲. امروز مکتب می‌روم. (   ) امروز مکتب می‌روم.
۳. حارث و فرهاد ورزش می‌کنند. (   ) ورزش می‌کنند.
۴. احمد غذا می‌خورد. (   ) غذا می‌خورد.
۵. من و ظریفه سبزی‌ها را ناشسته نمی‌خوریم.
(   ) سبزی‌ها را ناشسته نمی خوریم.

کلمه‌ها: من، ما، آن‌ها، او

۱. پدرم گفت: فردا مادر، با خواهر و برادرت به خانهٔ کاکایت می‌رویم.
۲. عبدالله گفت روزهای شنبه سه‌شنبه و پنجشنبه ورزش می‌کنم.
۳. فریده به مادرش گفت من میوه‌های سیب ناک و انگور را خوش دارم.

: ،



ذخیرهٔ لغت‌ها



۱. من علم می‌آموزم.
۲. عایشه دختر هوشیار است.
۳. من وطن خود را دوست دارم.
۴. برادر بزرگم در فابریکه کار می‌کند.
۵. من در درس‌های خود کوشش می‌کنم.
۶. باغ ما گل‌های زیبا دارد.

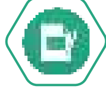
کلمه‌ها:

دانش	کتاب
خواب	ذکی
میهن	کوچه
کلانم	وظیفه
سعی	تنبلی
بی‌رنگ	قشنگ



خوانش دوبارهٔ متن اول

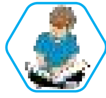




حرف‌ها و کلمه‌ها



ظرف	حافظ	ظریفه	ظ
نظافت	ظاهره	فیض	
ضیا	فضیله	رضا	ض



مَسیر — آثار — باستانی

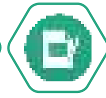


موزیمِ ملّی

آن‌روز برای رضا و ظاهر روزِ خوبی بود. آن‌ها با هم‌صنفان‌شان در موتر نشسته بودند و می‌خواستند به موزیم بروند. ناگهان موتر در مسیرِ راه خاموش شد. شاگردان، ناراحت شدند. آن‌ها فکر می‌کردند که اگر به موزیم نروند، چه خواهد شد؟ رضا گفت: به مکتب بر می‌گردیم. اما ظاهر می‌گفت: باید به موزیم برویم. راننده گفت: گفتگو مکنید. موتر روشن خواهد شد. در این هنگام، موتر روشن شد و حرکت کردند.



وقتی به موزیم رسیدند، شخصی که رهنمای موزیم بود، همه بخش‌های موزیم را معرفی کرد و گفت: در موزیم، آثارِ تاریخی، نگهداری می‌شود. رضا و هم‌صنفانش، از دیدنِ سکه‌ها، دیگ‌های سنگی، تفنگ‌ها و شمشیرها هیجانی شدند. آن‌ها فهمیدند که موزیم، جای نگهداری آثار باستانی است.



کلمه‌ها و جمله‌ها



کلمه‌ها: من — ما — آن‌ها — او

۱. احمد و علی مکتب می‌روند. (آن‌ها) مکتب می‌روند.

۲. آرش و سهراب به موزیم می‌روند. (   ) به موزیم می‌روند.

۳. زهره هر روز دندان‌هایش را می‌شوید.

(   ) هر روز دندان‌هایش را می‌شوید.

۴. در کارهای خانه هم‌کاری می‌کنم.

(   ) در کارهای خانه هم‌کاری می‌کنم.

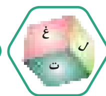
: ،

۱. معلم ما گفت: هفته آینده امتحان دری، ریاضی و رسم دارید.

۲. مادرم گفت ماه‌های فصل تابستان سرطان اسد و سنبله است.

۳. باغبان گفت در این باغ گل‌های نسترن مرسل و گلاب موجود است.

۴. پدرم گفت در موزیم سکه‌ها دیگ‌های سنگی و تفنگ‌ها نگهداری می‌شود.



ذخیرهٔ لغت‌ها



منارجام	سکه‌ها	میلهٔ دهقان	شمشیرها
میلهٔ گل نارنج	لباس‌های‌محلی	میلهٔ گل‌سرخ	دیگ‌های سنگی
بت‌های بامیان	میلهٔ نوروز	بالاحصار	قلعهٔ اختیارالدین

موزیم	آبده‌های تاریخی	میله‌ها
دیگ‌های سنگی	بالاحصار	میلهٔ گل نارنج
________	________	________
________	________	________
________	________	________



خوانش دوبارهٔ متن دوم






گوش دادن و صحبت کردن



حل منازعات: جلوگیری از آزار و اذیت دیگران






نوشتن ابتکاری

مریم شاگرد صنف چهارم است. او در میدان بازی همیشه اطفال کوچک را آزار و اذیت می‌کند. و آن‌ها را نمی‌گذارد که بازی کنند.

معلم
صنف
سخن

____

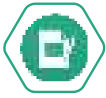
____

____

مریم دانست که با آزار و اذیت، دوستان خود را از دست می‌دهد. او از آزار دادن دیگران دست کشید.




خوانش دوبارهٔ متن ۱-۲



کلمه‌ها و جمله‌ها



الف

۱. درس می‌خوانم.

(من) درس می‌خوانم.

۲. این کتاب از احمد است.

این کتاب از (   ) است.

۳. الیاس و شریف هر روز مکتب می‌روند.

(   ) هر روز مکتب می‌روند.

۴. من و راشد در صنف سوم درس می‌خوانیم.

(   ) در صنف سوم درس می‌خوانیم.

کلمه‌ها
ما
من
او
آن‌ها
شما

ب

۱.کشورما به صلح نیاز دارد.	(آشتی، آزادی)
۲.به خردسالان شفقت داشته باشیم.	(پند، مهربانی)
۳.در کارهای خانه با مادرم همکاری می‌کنم.	(کمک، حوصله)
۴.به نصیحت بزرگان گوش کنیم.	(پند، احترام)

ج

۱. پدرم گفت: فردا با مادر، خواهر و برادرت به خانه کاکایت می‌رویم. | : ، |

۲. عبدالله گفت روزهای شنبه سه‌شنبه و پنج‌شنبه ورزش می‌کنم.

۳. فریده به مادرش گفت من میوه‌های سیب ناک و انگور را خوش دارم.



خوانش دوبارهٔ متن ۱-۲



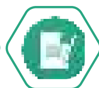






املا





حرف و کلمه‌ها



۱

انگور	الهام	لوبیا
بادام	ناک	الیاس
زیبا	مالته	قیماق



انجمن — محصولات — کشاورز



دهقانان به کمکِ دولت نیاز دارند

روزِ گذشته، انجمنِ کشاورزان، نمایشگاه را به منظور بهتر شدن محصولات زراعتی، راه‌اندازی کردند.

در این نمایشگاه، انواعِ میوه‌ها، سبزی‌ها و دیگر محصولات زراعتی به نمایش گذاشته شد. انیسه رئیس اتحادیهٔ کشاورزان در محفلِ گشایشِ این نمایشگاه حضور داشت او گفت: زراعت یک شغلِ قدیمی است.

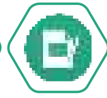
بیشتر مردمِ افغانستان، مصروفِ زراعت و کشاورزی اند.

سالِ گذشته وضعیت دهقانان بهتر بود. امیدواریم امسال هم، دهقانانِ ما راضی باشند. محمد اَسلم، نمایندهٔ دهقانان، از کشت و کارِ امسال ناراض بود. او از مرض‌ها و حشره‌ها شکایت داشت و گفت: پارسال، سالِ خوبی بود، حاصلاتِ خوبی برداشتیم؛ اما امسالَ چندان امیدوار نیستیم.

ما از دولت می‌خواهیم برای رفع این مشکل با ما همکاری کند.



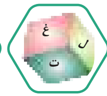
در پایانِ محفل رئیس انجمن از نمایشِ محصولات و زحمت دهقانان قدردانی نمود. او وعده داد که برای رشد اقتصادِ کشور، به دهقانان توجهِ بیشتر نمایند.



کلمه‌ها جمله‌ها



			فعل منفی
۱. من غذا می‌خورم.	من غذا	( )	نمی‌خرد
۲. فردین سفر می‌رود.	فردین سفر	( )	خوش ندارد
۳. فرشته کتابچه می‌خرد.	فرشته کتابچه	( )	نمی‌خورم
۴. محمود بازی فوتبال را خوش دارد.	محمود بازی فوتبال را	( )	نمی‌رویم
۵. ما روزهای جمعه به میله می‌رویم.	ما روزهای جمعه به میله	( )	نمی‌رود



ذخیرهٔ لغت‌ها



شتر
جو
ماست
گاو
درخت زردآلو
گندم
جواری
درخت سیب
درخت انار
قروت
پنیر
گوسفند

درخت‌ها: درخت سیب، ________، ________

مالداری: گاو، ________، ________

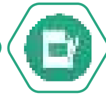
لبنیات: قروت، ________، ________

غله‌ها: جواری، ________، ________



خوانش دوبارهٔ متن اول





کلمه‌ها و جمله‌ها



می‌گویم	نمی + گویم	نمی‌گویم
می‌خورم	نمی + خورم	نمی‌خورم
می‌نویسم	نمی + نویسم	نمی‌نویسم
می‌روم	نمی + روم	نمی‌روم



جشنواره | مسؤول | زعفران

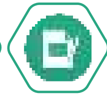


زعفرانِ افغانستان بهترین زعفرانِ جهان

هفتهٔ گذشته، جشنوارهٔ محصولات زراعتی در شهر کابل برگزار شده بود.
در آن‌جا، زعفرانِ افغانستان نیز به نمایش گذاشته شده بود.
یکی از اشتراک کننده‌گان، از مسؤول زراعت در مورد زعفران معلومات خواست.
مسؤول زراعت توضیح داد:
زعفران گیاهی است که خواص درمانی دارد.
این گیاه در سراسرِ جهان علاقه‌مندان زیادی دارد.
زعفران در تهیهٔ غذا، دوا، عطر و رنگ‌ها استفاده می‌شود.
اشتراک کننده پرسید:
آیا زعفران به خارج هم صادر می‌گردد؟
مسؤول زراعت گفت:
بلی! سال گذشته زعفران افغانستان در جهان، درجهٔ اول را گرفت. کشتِ زعفران، اقتصاد دهقانان را بلند برده است. آن‌ها از کشتِ زعفران راضی اند.



فرخنده، یکی از بانوانی که زعفران را به نمایش گذاشته بود، افزود:
کشتِ زعفران یک شُغل خوب است و هزاران زن را خود کفا ساخته است.



حرف‌ها و جمله‌ها



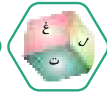
۱. من به باغ می‌روم. (س)

۲. من مکتب می‌روم و درس می‌خوانم. (م)

۳. جمشید دهقان است. ( )

۴. من بازار می‌روم و ماست می‌خرم. ( )

۵. دهقان زمین را کشت می‌کند و حاصل می‌گیرد. ( )



ذخیرهٔ لغت‌ها



بیل
داس
بادنجان رومی
سبزه
چهارمغز
درخت
کشمش
بادرنگ
گل
بادام
گندنه
تراکتور

باغ
گل ______
______
______

لوازم کاری دهقان
داس ______
______
______

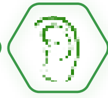
میوهٔ خشک
بادام ______
______
______

سبزی‌ها
گندنه ______
______
______



خوانش دوبارهٔ متن دوم






گوش دادن و صحبت کردن



مهارت‌های مثبت اجتماعی: برخورد و رویه






نوشتن ابتکاری

من وسایل بازی خود را با دوستان خود شریک می‌کنم. دوستانم مرا دوست دارند.

ما باید چه کار کنیم تا دیگران، ما را دوست داشته باشند؟

مهربان

گوش دادن

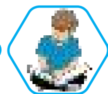
معذرت خواستن

____

____

____

وقتی‌که من کارهای خوب را انجام می‌دهم، دیگران مرا دوست دارند.




خوانش دوبارهٔ متن ۱-۲



کلمه‌ها و جمله‌ها

الف

فعل منفی
نیست
نرفتم
نمی‌شوند
نمی‌کنند

۱.افغانستان یک کشور زراعتی است.
افغانستان یک کشور زراعتی(نیست)
۲. من دیروز به نمایشگاه زراعتی رفتم.
من دیروز به نمایشگاه زراعتی( )
۳. حشره‌ها سبب خرابی زراعت می‌شوند.
حشره ها سبب خرابی زراعت ( )
۴. مردم‌ما بیشتر از محصولات زراعتی استفاده می‌کنند.
مردم‌ما بیشتر از محصولات زراعتی استفاده( )

ب

۱.پدر آرش دهقان است. ( )
۲.پدرم بازار می رود و زعفران می‌خرد. ( )
۳.من چای زعفرانی را خوش دارم. ( )
۴.من به باغ می روم و گل‌ها را آب می‌دهم ( )
۵.نسرین کتاب‌خانه می رود و مطالعه می‌کند ( )

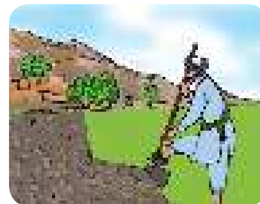
ج

ماش
قالین بافی
گلیم بافی
نجاری
آلوبالو
خربوزه
خیاطی
خامک دوزی
لوبیا
نخود
انار
آهنگری

حبوبات	میوه	صنایع دستی	پیشه‌وری
لوبیا	آلوبالو	خامک دوزی	نجاری
______	______	______	______
______	______	______	______
______	______		______

خوانش دوبارهٔ متن ۱-۲



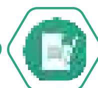




املا

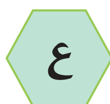






حرف و کلمه‌ها





عینک	شجاع	علم
معلم	عالم	صنایع
نعناع	تعلیم	عالیه



صنایع‌دستی | عرضه | توصیف



نمایشگاهِ صنایع دستی

به مناسبتِ روزجهانی زن، نمایشگاهِ صنایع دستی در باغِ بابر برگزار گردید.

عالیه، یک تن از زنانِ تجارت‌پیشه، در این باره چنین گفت:

مردم افغانستان در طول تاریخ با ابتکار و زحمت‌کشی، در بخش صنایع دستی، دستاوردهای خوبی داشته اند.

تولیدات صنایع‌دستی مانند: خامک‌دوزی، نمدمالی، گلیم‌بافی، قالین‌بافی چرمه‌دوزی و عرضهٔ آن به بازارهای داخلی و خارجی از نظر اقتصادی، ارزش زیادی دارد.

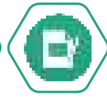
وی افزود: هر ولایت، صنایع دستی متفاوت دارد؛ به گونهٔ مثال: در کابل معماری، نجاری، آهنگری، زرگری، کندن‌کاری، سنگ‌تراشی و دست دوزی، رواج دارد.

صنعتِ قالین‌بافی در قلعهٔ زال، قرقین، هرات، آقچه، بادغیس و مزار شریف رواج داشته و از



شهرتِ جهانی برخوردار است.

وی در آخر توجه و پشتیبانی دولت را در زمینهٔ رشد صنایع دستی، توصیف نمود؛ هم‌چنان برگزاری چنین نمایشگاه‌ها را در کشور، با اهمیت دانست.



کلمه‌ها و جمله‌ها



فعل منفی
نمی‌سازد
ندارد
ندارم
نرفت
نمی‌کند

۱. من به قالین‌بافی علاقه دارم. من به قالین‌بافی علاقه (ندارم)

۲. احمد به نمایشگاه صنایع دستی رفت. احمد به نمایشگاه صنایع دستی(نرفت)

۳. باغ سیب دارد. باغ سیب ( )

۴. احمد در کارگاهِ گلیم بافی کار می‌کند.

احمد در کارگاه گلیم‌بافی کار ( )

۵. نجار دروازه و کلکین می‌سازد. نجار دروازه و کلکین ( )



ذخیرهٔ لغت‌ها



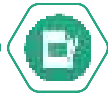
قرآن‌کریم	رفتار خوب	زمین	آذان
پدرکلان	جای‌نماز	احترام به هم‌دیگر	کوه
مادرکلان	پدر	هم‌کاری	دریا

مسجد	خانواده	طبیعت	روابط اجتماعی
قرآن‌کریم	پدرکلان	زمین	هم‌کاری
__________	__________	__________	__________
__________	__________	__________	__________



خوانش دوبارهٔ متن اول





کلمه‌ها و جمله‌ها



می‌گویم	نمی + گویم	نمی‌گویم
می‌نوشد	نمی + نوشد	نمی‌نوشد
می‌رود	نمی+رود	نمی‌رود
می‌رفت	نمی+رفت	نمی‌رفت



صنایع | مُسِن | کفایت



کاکا عادلِ آهنگر گفت: از شُغلم راضی استم

آهنگری، از جملهٔ صنایعِ دستی است که در کشور ما سابقهٔ طولانی دارد. آهنگری تا امروز توانسته است نیازهای همهٔ مردم، به ویژه دهقانان را رفع نماید. کاکا عادلِ آهنگر، که شخص مُسِن و دارای تجربهٔ زیاد در این صنعت است، می‌گوید: وسایلِ ساختهٔ دستِ من، عبارت از بیل، کلند، تیشه، تبر و امبور می‌باشد.

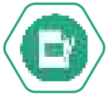
من از او پرسیدم: تا حال چند شاگرد تربیه کرده‌اید؟ و چند نفر آن به درجهٔ استادی رسیده است؟ او گفت:

تعدادشان زیاد است؛ اما کسانی که خودشان در این شُغل استاد استند، به ده نفر می‌رسند.

در اخیر، از او پرسیدم: از مفادی که به دست می‌آورید، راضی استید؟



کاکا عـادلِ آهنـگر گفـت: بلی! راضـی استم. پولی که از این پیشه به دست می‌آورم، برای زنده‌گی‌ام کفایت می‌کند.



جمله‌ها



جمله‌های ساده	جمله‌های مرکب
۱ آرش قالین می‌بافد. مریم می‌بیند.	آرش قالین می‌بافد و مریم می‌بیند.
۲ پدرم در مزرعه کار می‌کند. من با پدرم کمک می‌کنم.	....
۳ احمد قرآن کریم می‌خواند. برادرش گوش می‌کند.	....



ذخیرهٔ لغت‌ها



شاگرد	قلم	شنبه	کتابچه
میز	خوشحال	چوکی	دوشنبه
قلم‌های رنگه	یک‌شنبه	غمگین	قهر

صنف	قرطاسیه	روزهای هفته	احساسات
شاگرد	قلم	یکشنبه	قهر
__________	__________	__________	__________
__________	__________	__________	__________



خوانش دوبارهٔ متن دوم






گوش دادن و صحبت کردن


مهارت‌های مثبت اجتماعی: معذرت خواستن






نوشتن ابتکاری

معذرت خواستن و بخشیدن هر دو کار نیک است.

اشتباه
مشکل
دوستان
ارتباط

____

____

____

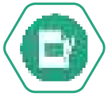
____

اگر خطایی از ما سر زد، معذرت بخواهیم.

همین طور اگر دیگران از ما معذرت خواستند، باید ببخشیم.




خوانش دوبارهٔ متن ۱-۲



کلمه‌ها و جمله‌ها



الف

فعل منفی: نمی‌بافد - ندارد - ندارم

۱. مکتب‌ما درخت دارد.
مکتب‌ما درخت(ندارد)
۲. سهراب قالین می‌بافد.
سهراب قالین ( )
۳. من قلم‌های رنگه دارم.
من قلم‌های رنگه( )

ب

۱ من مکتب می‌روم.
علم می‌آموزم.
من مکتب می‌روم و علم می‌آموزم.

۲ شبانه کیک می‌پزد.
بهار با او کمک می‌کند.
....
....

۳ من در باغ می‌روم.
سیب می‌چینم.
....
....

ج

آبی	اسد	زمستان	نسترن
بهار	لاله	حمل	سرخ
خزان	سبز	مرسل	جوزا

چهار فصل	ماه‌های سال	رنگ‌ها	گل‌ها
بهار	حمل	سرخ	لاله
__________	__________	__________	__________
__________	__________	__________	__________



خوانش دوبارهٔ متن ۱-۲









املا

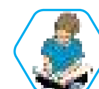




حرف‌ها و کلمه‌ها



اسپ	انجیر	ارغوان	ا
امروز	علم	معلم	ع
شمع	یعقوب	نعناع	



اقتصاد | شغل | صادق



کار و وظیفه، ضرورتی برای آبادی کشور

کار و وظیفه، برای هر فرد مهم و با ارزش است. انسان‌ها، برای آبادی کشور، مشغولِ انجام‌دادنِ کارهای مختلف می‌باشند.

عِباد، در برنامهٔ کار و زندگی، یکی از رادیوها، از داکتر حمیرا پرسید: آیا از وظیفهٔ‌تان راضی استید؟ داکتر حمیرا گفت: بلی راضی استم.

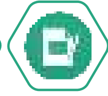
چرا که هم می‌توانم به مردم خدمت کنم و هم در بلندبردنِ اقتصاد خانواده‌ام کمک کنم.

به همین ترتیب، از افراد دیگری نیز در موردِ شُغل و وظیفهٔ‌شان پرسید و آن‌ها از شُغل خود راضی بودند.

محمود، معلم یکی از مکتب‌ها چنین گفت: کار و وظیفه، وقتی با ارزش است که در انجام‌دادنِ آن صادق باشیم. اگر کار خود را صادقانه انجام ندهیم، نتیجهٔ خوب به دست نمی‌آوریم.



عباد در نتیجه، دریافت که صداقت و تعهد در کار و وظیفه برای آبادی کشور ضروری می‌باشد.



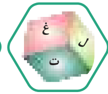
کلمه‌ها و جمله‌ها



۱. دهقان در زمین، گندم کشت می‌کند.
دهقان در زمین گندم کشت (نمی‌کند)
۲. باغبان در باغ نهال غرس می‌کند.
باغبان در باغ نهال غرس (   )
۳. من با خانواده‌ام به میله می‌روم.
من با خانواده‌ام به میله (   )
۴. در فصل بهار ژاله می‌بارد.
در فصل بهار ژاله (   )
۵. برادرم در مزارشریف زنده‌گی می‌کند.
برادرم در مزار شریف زنده‌گی (   )

فعل منفی

- نمی‌روم
- نمی‌بارد
- نمی‌کند
- نمی‌کند
- نمی‌کند



ذخیرهٔ لغت‌ها



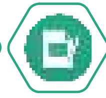
یخچال	زنبور	جاکت	مدیر
آب‌گرمی	سرمعلم	پشه	پتلون
معلم	تلویزیون	کرتی	مگس

حشرات	پوشاک	وسایل برقی	مکتب
زنبور	جاکت	آب گرمی	مدیر
________	________	________	________
________	________	________	________



خوانش دوبارهٔ متن اول





کلمه‌ها



می‌گویم	نمی+گویم	نمی‌گویم
می‌روم	نمی+روم	نمی‌روم
می‌کارم	نمی+کارم	نمی‌کارم
می‌خورم	نمی+خورم	نمی‌خورم



اندرز — راستی — دانا



معلم

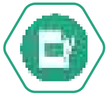


آنکه صد اندرز و پند — یادمان داد از کتاب
واژه‌ها معنا نمود — دانه دانه بی حساب
می‌دهد با حوصله
هر سوالم را جواب

از مُعَلم بشنویم — درس راستی و صفا
قصه‌هایش رهنما — درس او درس وفا
راهِ حق بر ما نمود
قصه گوید از خدا

مُعَلم عزیزم — دانا و خوش بیان است
خوبی هایش فراوان — با همه مهربان است
مُعَلم خوب ما
بهترین جهان است

آشنا سازد مارا — با زمین و آسمان
با کتاب و با حساب — با خدای مهربان
هر مُعَلم دوست ما
ما همهٔ ممنون شان



جمله‌ها



جمله‌های ساده		جمله‌های مرکب
۱	من دواخانه می‌روم. دوا می‌خرم.	من به دواخانه می‌روم و دوا می‌خرم.
۲	عثمان مکتب می‌رود. درس می‌خواند.	....
۳	من کتاب‌خانه می‌روم. مطالعه می‌کنم.	....



ذخیرهٔ لغت‌ها



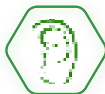
خمیر	دهقان	آهنگری	تنور
انجنیری	نان	نقاشی	زمین
رسامی	معلمی	خطاطی	حاصل

شغل	نانوایی	کشاورزی	هنر
انجنیری	نان	دهقان	رسامی
__________	__________	__________	__________
__________	__________	__________	__________



خوانش دوبارهٔ متن دوم



گوش دادن و صحبت کردن



مهارت‌های مثبت اجتماعی- ساختن جامعه






نوشتن ابتکاری

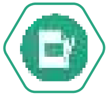
هر کس دوست دارد که در جامعه زنده‌گی کند.
من دوست دارم با مردم کمک کنم.

____
____
____
____
____

یکجا
کارمثبت
بخشش
مسؤولیت
اشتراک




خوانش دوبارهٔ متن ۱-۲



کلمه‌ها و جمله‌ها



الف

فعل منفی: نمی‌خواند، نمی‌رود، نخرید

۱. احمد، سفر می‌رود.
احمد، سفر (نمی‌رود)
۲. امین کتاب خرید.
امین کتاب (   )
۳. بهار درس می‌خواند.
بهار درس (   )

ب

۱ او به باغ رفت. میوه چید. — او به باغ رفت و میوه چید.

۲ بلال درس می‌خواند. به وطنش خدمت می‌کند. — ....

۳ قیس به پارک می‌رود. والیبال می‌کند. — ....

ج

چشم	والیبال	هرات	فوتبال
گوش	مریض	داکتر	بلخ
دوش	قندهار	بینی	دوا

ولایت‌ها	اعضای بدن	ورزش	شفاخانه
هرات	گوش	دوش	مریض
________	________	________	________
________	________	________	________



خوانش دوبارهٔ متن ۱-۲









املا

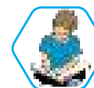




حرف و کلمه‌ها



یاسین	مروارید	یاسمین	ی
سیمین	الماری	سیب	
شادی	یلدا	بخاری	



سرمایه ملی | معدن | جرم



سرمایه‌های مِلّی

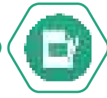
سرمایهٔ ملی چیست؟



هرچیزی که فایده‌اش به تمام مردم کشور می‌رسد، سرمایهٔ ملی گفته می‌شود.

جنگل‌ها، آب‌ها، معدن‌ها، آثار باستانی و فابریکه‌ها سرمایهٔ ملی هر کشور می‌باشند. سرمایه‌های ملی هر کشور، مال مشترک همهٔ مردم آن کشور است. سرک‌ها، پُل‌ها و پارک‌ها نیز سرمایه‌های ملی کشور می‌باشند. استفاده درست از سرمایه‌های ملی سبب بلند رفتن اقتصاد کشور عزیزمان می‌شود.

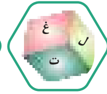
هر شخص وظیفه دارد تا از سرمایه‌های ملی به گونهٔ درست استفاده کند. دین اسلام استفادهٔ نادرست از سرمایه‌های ملی را نیز منع کرده است. استفادهٔ نادرست از سرمایه‌های ملی از نظر قانون نیز جرم شمرده می‌شود. پس بیایید در نگهداری سرمایه‌های ملی با هم هم‌کاری کنیم و از آن استفادهٔ درست نماییم.



کلمه‌ها



کلمه	هم + کلمه		کلمه	هم + کلمه	
فکر	هم+ فکر	هم‌فکر	صحبت	هم+صحبت	هم‌صحبت
وطن			راز		
سایه			راه		
کار			درد		



ذخیرهٔ لغت‌ها



الف

دانا
بالا
سرد
خوب
راست
تاریک
کوچک

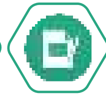
ب

روشن
چپ
نادان
بزرگ
پایین
گرم
بد



خوانش دوبارهٔ متن اول





کلمه‌ها



صدا	هم + صدا	هم‌صدا
سفر	هم+سفر	هم‌سفر
رنگ	هم+رنگ	هم‌رنگ
نشین	هم+نشین	هم‌نشین



ارزشمند | منابع | استخراج



معدنِ حاجی‌گک

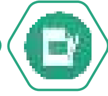
افغانستان، دارای معدن‌های ارزشمند می‌باشد. معدن‌های نفت و گاز، طلا، مس، زمرد، لاجورد و دانه‌های قیمتی دیگر در مناطقِ مختلف کشورِ ما وجود دارد. افغانستان یکی از کشور هایی اَست که دارای منابع طبیعی می‌باشد. معدنِ حاجی‌گک، یکی از منابعِ بزرگِ آهن، در افغانستان و جهان است.



این معدن، در ولایتِ بامیان و در بلندی‌های کوهِ بابا موقعیت دارد.

معدنِ حاجی‌گک، مانندِ معدن‌های دیگر، هنوز به شکلِ درست استخراج نشده است.

این معدن، یکی از سرمایه‌های مِلّی ما است. اگر معدن‌های کشورِ ما درست استخراج و استفاده شوند، اقتصـــادِ کشورِ ما رُشد می‌کند. هزاران هم‌وطنِ ما مشغول کار می‌شوند. در این صورت کشور ما خودکفا می‌شود.



کلمه‌ها و جمله‌ها



۱. من ورزش می‌کنم. صحت‌مند باشم.

من ورزش می‌کنم (به‌خاطری‌که) صحت‌مند باشم.

۲. من احترام می‌کنم. احترام شوم.

من احترام می‌کنم (   ) احترام شوم.

۳. امروز می‌خواستم بازار بروم. نتوانستم.

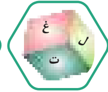
امروز می‌خواستم بازار بروم (   ) نتوانستم.

کلمه‌ها

به خاطری‌که

تا

اما



ذخیرهٔ لغت‌ها



۱. در فصل تابستان هوا گرم می‌باشد. (سرد)

۲. ما صلح می‌خواهیم. (   )

۳. علم می‌آموزم تا دانا شوم. (   )

۴. در صنف‌ما تختهٔ سیاه است. (   )

۵. من از کامیابی خواهرم خوشحال شدم. (   )

۶. حسنیه دختر مهربان است. (   )

کلمه‌ها

سفید

جنگ

غمگین

سرد

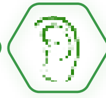
نامهربان

نادان



خوانش دوبارهٔ متن دوم



گوش دادن و صحبت کردن



سعی و کوشش: شناخت خودی مثبت






نوشتن ابتکاری

مهم است که شما باید خصلت‌های خوب خود را بدانید.

خصلت‌های خوب شما، توانمندی‌های شما استند.

____

____

بعضی از مردم توانمندی خوانش متن را دارند.

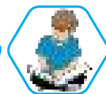
و بعضی‌ها توانمندی گوش دادن خوب را دارند.

____

وقتی‌که شما اعتماد به خود می‌داشته باشید،

می‌توانید مشکلات زنده‌گی خود را حل سازید.

تلاش
هدف
باورمند

خوانش دوبارهٔ متن



لغت‌ها

الف

کلمه	هم+کلمه
راه	همراه
سخن	هم‌سخن
وطن	
نام	
سال	
شهری	

ب

کلمه‌ها	کلمه‌ها
سبک	روز
لایق	شیرین
شب	سنگین
چاق	کوتاه
بالا	تنبل
دراز	لاغر
تلخ	پایین

ج

کلمه‌ها: تا / به‌خاطری‌که / اما

۱. من زیاد درس می‌خوانم.   اول نمره شوم.

من زیاد درس می‌خوانم (به خاطری‌که) اول نمره شوم.

۲. پول را خوب نگهداریم.   به سرمایه ملی ما ضرر نرسد.

پول را خوب نگهداریم (   ) به سرمایهٔ ملی ما ضرر نرسد.

۳. من دیروز کتاب‌خانه می‌رفتم.   نتوانستم بروم.

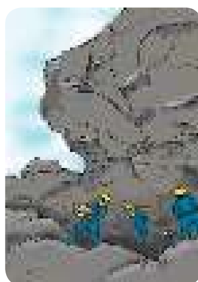
من دیروز کتاب‌خانه می‌رفتم (   ) نتوانستم بروم.



خوانش دوبارهٔ متن ۱-۲









املا



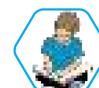


حرف و کلمه‌ها



هارون	مهربان	اره
بهار	تیشه	قهر
بوره	آهنگر	سبزه

۵

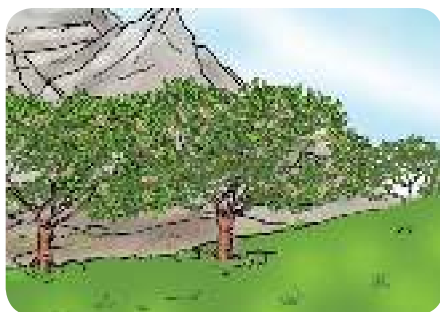


طبیعی — محل — مِلّی



جنگل‌های پِسته

جنگل‌های پسته، در افغانستان، در دامنهٔ کوه‌ها و تپه‌ها به شکل طبیعی وجود دارد و گاه مَردُم، پسته را کشت می‌کنند.



جنگل‌های پسته، نه تنها از نظر اقتَصادی اهمیت دارد؛ بلکه در پاک‌نگهداشتن هوا نیز مفید است.

درختانِ پسته، باعثِ سرسبزی و زیبایی محیطِ ماَ می‌گردد.

پستهٔ افغانستان، در داخل و خارجِ کشور، خَریدارانِ خوبی دارد.

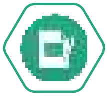
برای نگَهداری جنگل‌های پسته، باید چند موردِ زیر در نظر گرفته شود:

جنگل‌های پسته، باید توسطِ مردم محل و دولت نگهداری شوند.

مردم محل بَاید برای نگهداری و افَزایش جنگل‌های پِسته آموزش ببینند.

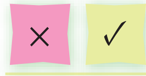
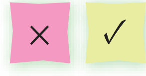
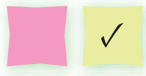
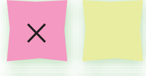
از قطَع‌کردن جنگل‌های پسته جلوگیری شود.

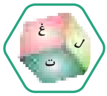
مردم و دولت بایدِ برایَ حفظ و نگهداری جنگل‌های پِسته تلاش کنند، تا این سرمایهٔ مِلّی رشد و توسعه یابد.



کلمه‌ها



		
۱. هم+ سفر	هم‌سفر	
۲. هم+ آن	هم‌آن	
۳. هم+ سایه	همسایه	
۴. هم+ راز	هم‌راز	
۵. هم+گل	هم‌گل	
۶. هم+صنف	هم‌صنف	



ذخیرهٔ لغت‌ها

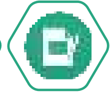


الف	ب
زمان	اندوه
کم	مهربانی
شجاع	تحمل
شفقت	هم‌کاری
کمک	اندک
غم	دلیر
صبر	وقت



خوانش دوبارهٔ متن اول





کلمه‌ها



آهنگ	هم+ آهنگ	هم‌آهنگ
دل	هم+دل	هم‌دل
وطن	هم+وطن	هم‌وطن
شکل	هم+شکل	هم‌شکل



ارزش — کیفیت — کمک



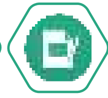
زَمَرُّد



زمرد، یکی از دانه‌های قیمتی و با ارزش است که برای ساختنِ انگشتر و زیورات، به کار می‌رود.

زمرد پس از الماس، دومین سنگ قیمتی در جهان می‌باشد.

در کشورِ ما، منابعِ بزرگِ زمرد وجود دارد. زمردِ افغانستان دارای کیفیتِ خوب می‌باشد. درهٔ پنجشیر و کوه‌های هندوکش منبع سرشار این دانهٔ قیمتی است. استخراج قانونی زمرد و دیگر دانه‌های قیمتی به اقتصاد کشور ما کمک می‌کند. زمرد کشور ما در بازارهای جهان به قیمت خوب به فروش می‌رسد. تمام دانه‌های قیمتی و دیگر منابع طبیعی، سرمایه ملی هر کشور گفته می‌شوند. سرمایهٔ ملی حق تمام ملت ما بوده، باید از آن استفادهٔ درست نماییم.



کلمه‌ها و جمله‌ها

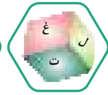


کلمه‌ها
به‌خاطریکه
تا
زیرا

۱. من مطالعه می‌کنم.   معلومات بیشتر حاصل کنم.
من مطالعه می‌کنم (تا) معلومات بیشتر حاصل کنم.

۲. من صبحانه می‌خورم. خوردن صبحانه ضرور است.
من صبحانه می‌خورم. (   ) خوردن صبحانه ضرور است.

۳. باغبان گل‌ها را آب می‌دهد. گل‌ها پژمرده نشوند.
باغبان گل‌ها را آب می‌دهد (   ) گل‌ها پژمرده نشوند.



ذخیرهٔ لغت‌ها



کلمه‌ها
دانا
کوشش
زیبا
آفتاب
هم‌کاری
بزرگ

۱. راشد سعی می‌کند در مسابقه برنده شود. (کوشش)

۲. خورشید طلوع کرد. (   )

۳. ثریا دخترِ لایق است. (   )

۴. احمد در حوض کلان آب‌بازی می‌کند. (   )

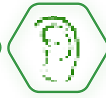
۵. گل‌های حویلی ما قشنگ است. (   )

۶. ما باید به فقرا کمک کنیم. (   )



خوانش دوبارهٔ متن دوم



گوش دادن و صحبت کردن



سعی و کوشش: تعیین اهداف






نوشتن ابتکاری

تعیین اهداف برای هر کس مهم می‌باشد.

تعیین اهداف به شما کمک می‌کند تا کارهایی را انجام دهید که توقع آن را دارید.

کار
پلان
مشکلات
راه‌حل

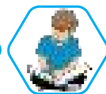
____

____

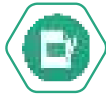
____

____

برای رسیدن به اهدف، شما باید تمام مراحل ضروری را بدانید.

خوانش دوبارهٔ متن ۱-۲



کلمه‌ها



الف

		✓	×
۱. هم+ سن	هم‌سن	✓	
۲. هم+لایق	هم‌لایق		
۳. هم+ راه	همراه		
۴. هم+کار	هم‌کار		

ب

الف	ب
کشور	دنیا
ملت	خورشید
جهان	وطن
بزرگ	خرد
کوچک	مردم
آفتاب	کلان
مقدار	اندازه

ج

۱. فرشته از بازار رنگه خرید.   رسم بکشد.

فرشته از بازار رنگه خرید(تا) رسم بکشد.

۲. من هر روز ورزش می‌کنم.   ورزش کردن به صحت فایده دارد.

من هر روز ورزش می‌کنم (   ) ورزش کردن به صحت فایده دارد.

۳. من به فقرا کمک می‌کنم.   کمک کردن ثواب دارد.

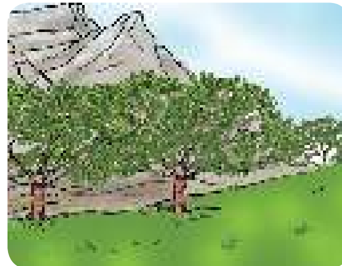
من به فقرا کمک می‌کنم (   ) کمک کردن ثواب دارد.

کلمه‌ها
- به خاطری‌که
- زیرا



خوانش دوبارهٔ متن ۱-۲









املا

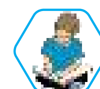




حرف‌ها و کلمه‌ها



آ	آلوبالو	ناک	مربا
ه	هاشم	مهربان	بوره
ی	یاسین	خورشید	روشنی



تولید — انتقال — وصل



برق روشنی‌آور خانه‌های ما



برق در زنده‌گی انسان‌ها، سهولت‌های زیادی را به وجود آورده است.

آیا می‌دانید که برق چگونه تولید می‌شود؟

برق از آب، باد و آفتاب تولید می‌شود. برق از طریق سیم از یک جای به جای دیگر، انتقال داده می‌شود.

برق برای روشنی خانه‌ها، فعالیت فابریکه‌ها و استفاده از تلویزیون‌ها و دیگر وسایلِ برقی به کار می‌رود.

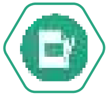
برق در کنار فایده‌های زیاد، دارای خطرهایی نیز می‌باشد.

اگر سیمِ برق، پوش نداشته باشد، به آن دست نزنیم؛ زیرا سبب مرگ می‌شود. به سویچ، ساکت و وسایلی که برق داشته باشند، نزدیک نشویم.

هنگامی که تیلفون به برق وصل باشد، از آن استفاده نکنیم.

ما باید از مصرف بی‌جای برق جلوگیری کنیم.

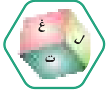
حالا دانستیم که برق چگونه به دست می‌آید و چطور از آن استفاده کنیم.



کلمه‌ها



		✓	×
۱. هم+کار	هم‌کار	✓	
۲. هم+ درخت	هم‌درخت		×
۳. هم+ صدا	هم‌صدا		
۴. هم+ دیگر	هم‌دیگر		
۵. هم+قلم	هم‌قلم		
۶. هم+درد	هم‌درد		



ذخیرهٔ لغت‌ها

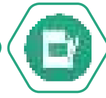


کلمه‌های متضاد		کلمه‌های مترادف	
توانا	کوتاه	شجاع	نگهداری
فقیر	نزدیک	ذکی	دلیر
بالا	ناتوان	حفاظت	دنیا
نیکی	ثروتمند	ضرر	هوشیار
دراز	پایین	تمیز	سود
خوشحال	بدی	فایده	پاک
دور	غمگین	جهان	نقص



خوانش دوبارهٔ متن اول

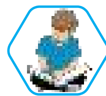




کلمه‌ها



سن	هم+سن	هم‌سن
شکل	هم+شکل	هم‌شکل
وطن	هم+وطن	هم‌وطن
صنف	هم+صنف	هم‌صنف



لعل و مرجان | گنج | بی‌نظیر

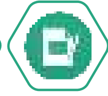


سرزمین گنج



دیارم سرزمین لعل و مـرجان
نبینی مثل و مانندش به دنیا
هرات و کندهار و غور و جوزجان
یکی آهن، یکی نفت و دیگر گاز
طلا و لاجـورد اندر بدخشان
بود هر یک مثال ثـروت ما
و ننگرهار و لغمان و کنـرها
به کوه و کوتل شان زر و یاقوت
وطن آب شیـرین تو فـراوان
زمرد در جهان با نام پنجشیر

دل هـر کوهسارش گنجِ پنهان
که هر سنگش بود سـرمایهٔ مان
و یا گردیز و خوست و بلخ و بامیان
بود هر یک نشـان گنـج باستان
هزاران جنگل سبـزِ نورستـان
زغالِ سنگ نامی در سمنگـان
که سمت مشرقی را کرده تابان
که چشم هر کسی را کرده حیران
هوای کوه و دشتت چون گلستان
مسِ عینک به لوگـر است نمایان



کلمه‌ها و جمله‌ها



۱. من پول را در بکس جیبی می‌گذارم. خراب نشود.

من پول را در بکس جیبی می‌گذارم (تا) خراب نشود.

۲. من نهال‌شانی می‌کنم. درختها هوا را صاف می‌سازد.

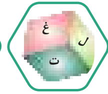
من نهال‌شانی می‌کنم (   ) درخت‌ها هوا را صاف می‌سازد.

۳. پدر و مادر خود را احترام کنیم. خداوندﷻ از ما راضی باشد.

پدر و مادر خود را احترام کنیم (   ) خداوندﷻ از ما راضی باشد.

کلمه‌ها

به خاطری که
تا
زیرا



ذخیرهٔ لغت‌ها



۱. جمیله دختر ذکی است. (هوشیار)

۲. برق، خانه‌ها را روشن می‌سازد. (تاریک)

۳. وطن ما افغانستان است. (   )

۴. من هر روز ورزش می‌کنم. (   )

۵. در حفظ آثار باستانی کوشش کنیم. (   )

۶. در فصل زمستان هوا سرد است. (   )

کلمه‌ها

هوشیار
تاریک
سعی
میهن
گرم
شب



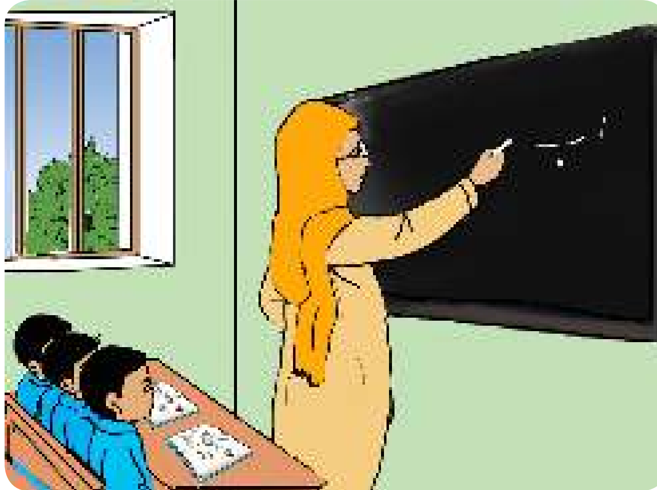
خوانش دوبارهٔ متن دوم





گوش دادن و صحبت کردن

سعی و کوشش: به‌دست آوردن اهداف و عکس العمل خودی






نوشتن ابتکاری

ساختن پلان برای رسیدن به هدف، مهم و ضروی می‌باشد.

هدف ما این است که

خدمت
مشوره
آینده
سعی و تلاش

____

____

____

____




خوانش دوبارهٔ متن ۱-۲



کلمه‌ها و جمله‌ها

الف

	✓	×
۱. هم+قطار　هم قطار	✓	
۲. هم+درس　هم درس		
۳. هم+بکس　هم بکس		
۴. هم+درخت　هم درخت		

ب

مترادف	مترادف
زیبا	کلان
بزرگ	کوچک
خُرد	قشنگ

متضاد	متضاد
سخت	کوتاه
دراز	پایین
بلند	نرم

ج یک جمله از آن بسازید.

کلمه‌ها: اما، تا، زیرا

۱. من نظافت را مراعات می‌کنم.　مریض نشوم.

من نظافت را مراعات می‌کنم (تا) مریض نشوم.

۲. من به نمایشگاه کتاب می‌رفتم.　نتوانستم بروم.

من به نمایشگاه کتاب می‌رفتم (　　) نتوانستم بروم.

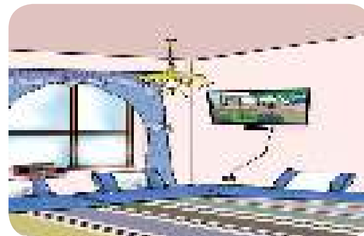
۳. من بیشتر از ترکاری و میوه‌ها استفاده می‌کنم.　به صحت فایده دارد.

من بیشتر از ترکاری‌ها و میوه‌ها استفاده می‌کنم(　　) به صحت فایده دارد.



خوانش دوبارهٔ متن ۱-۲









املا





حرف‌ها و کلمه‌ها



الماس	دانا	الیاس	ا
داستان	ناک	نعناع	ع
عینک	شمع	معلم	



اعتماد — اندیشه — لوح



کاغذ، با اعتمادترین انتقال‌دهندهٔ اندیشهٔ انسان

در جشنوارهٔ نمایش کارهای صنعتی، کاغذ لقب با اعتمادترین وسیلهٔ انتقالِ اندیشهٔ انسان را گرفت.

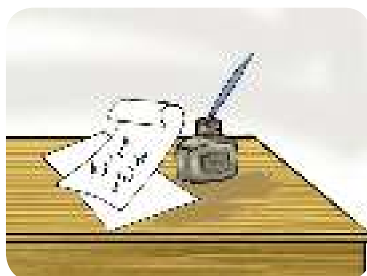
در این جشنواره، آسیه یکی از صنعت‌کاران در موردِ پیشینهٔ کاغذ چنین گفت:

قبل از آن که کاغذ وجود داشته باشد، انسان‌ها روی سنگ، چوب، لوح‌های گِلی، فلزی، طلایی، مسی، پوست جانوران و استخوان، حک می‌کردند.

بعد از ساختن کاغذ، انسان‌ها توانستند به گونهٔ آسان روی آن بنویسند.

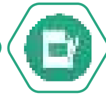
یما، یکی از اشتراک‌کننده‌گان از آسیه پرسید: کاغذ توسط کی ساخته شده است؟ آسیه در پاسخ گفت: کاغذ، نخستین‌بار توسط مصری‌ها و بعد توسطِ چینی‌ها ساخته شده است.

یما پرسید: کاغذ از چه ساخته می‌شود؟



آسیه گفت: کاغذ، از پُنبه، کتان، برخی گیاهان و درختان ساخته می‌شود.

با تقویت صنعتِ کاغذسازی دولت می‌تواند، زمینهٔ کار را برای مردم فراهم سازد.



کلمه‌ها و جمله‌ها

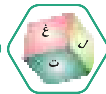


فعل منفی
نمی‌دهد
نمی‌کند
نمی‌روم
نخرید
نمی‌سازد

۱. من به تفریح می‌روم.   من به تفریح (نمی‌روم).
۲. مریم از بازار دست‌کش خرید.   مریم از بازار دست‌کش (   ).
۳. مسعود گل‌ها را آب می دهد.   مسعود گل‌ها را آب (   ).
۴. نجار از چوب، کلکین، دروازه و الماری می‌سازد.   نجار از چوب کلکین و دروازه (   ).
۵. نهال‌شانی، محیط را سرسبز می‌کند. نهال‌شانی محیط را سرسبز (   ).

کلمه‌ها
به خاطری که
تا
زیرا

۱. ما در زمستان لباس گرم می‌پوشیم.   مریض نشویم.
ما در زمستان لباس گرم می‌پوشیم (تا) مریض نشویم.
۲. به حیوان‌ها ترحم کنید.   ترحم کردن عمل نیک است.
به حیوان‌ها ترحم کنید. (   ) ترحم کردن عمل نیک است.
۳. ثریا دیروز به مکتب نرفت.   او مریض بود.
ثریا دیروز به مکتب نرفت. (   ) او مریض بود.



ذخیرهٔ لغت‌ها



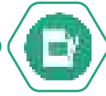
وسایل برقی	معدن	وسایل حمل و نقل
آب گرمی	زمرد	طیاره

زمرد، آب‌گرمی، تلویزیون، موتر، طیاره، لاجورد، لعل، کشتی، کمپیوتر



خوانش دوبارهٔ متن اول

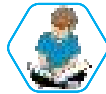




حرف‌ها و کلمه‌ها



آفتاب	یاقوت	خرما	آ
هاجره	بهرام	خنده	ه
یادگار	مدینه	بخاری	ی



بند — جریب — سهولت



بندهای آب

افغانستان، سرشار از منابع آبی می‌باشد؛ از این‌رو بندهای آب زیادی ساخته شده است. این بندهای‌آب، اهمیت و ارزش زیادِ اقتصادی دارند.



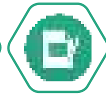
آیا می‌دانید که از بندهای آب چه استفاده می‌شود؟

از بندهای آب، برای تولید برق و آبیاری زمین‌های زراعتی استفاده می‌شود.

زمانی‌که از بندهای آب برای آبیاری هزاران جریب زمین زراعتی، استفاده می‌شود، باعثِ افزایشِ حاصلاتِ زراعتی می‌گردد. بندهای آب، در بلندبردنِ اقَتصادِ میهنِ ما نقشِ مهم دارد. اگر برای تولید برق از بَند آب اَستفادهَ شود، سَهولت و آسایش را در زنده‌گی ما ایجاد می‌کند و در رشدِ اقتصادِ ما کمک می‌نماید.

کشورِ عزیزِ ما افغانستان، بندهای زیادی دارد که می‌توان از بندِ برق درونته، ماهی‌پر، نَغلو، کجکی، بندِ سلما، بندِ شاه و عروس بندِ برقِ پَلخمری، کمال‌خان و بندِ سلطان نام برد.

پس می‌توان گُفت: بندهای آب در زنده‌گـــــی ما، اهمیت زیاد داشته و سرمایهٔ مِلّی ما به شمار می‌رود.



کلمه‌ها و جمله‌ها



		✓	×
۱. هم + زمان	هم زمان	✓	
۲. هم + پنسل	هم پنسل		
۳. هم + صحبت	هم‌صحبت		
۴. هم + ساعت	هم‌ساعت		

		✓	×
۱. هم + زبان	هم زبان		
۲. هم + درخت	هم درخت		×
۳. هم + شاگرد	هم شاگرد		
۴. هم + راه	هم راه		

۱. به همه سلام می‌دهیم. سلام دادن ثواب دارد.

به همه سلام می‌دهیم (به خاطری‌که) سلام دادن ثواب دارد.

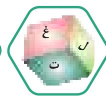
۲. نظافت را مراعات کنیم. صحت‌مند باشیم.

نظافت را مراعات کنیم ( ) صحت‌مند باشیم.

۳. علم بیاموزیم. آموختن علم بر هر مرد و زن فرض است.

علم بیاموزیم( ) آموختن علم بر هر مرد و زن فرض است.

کلمه‌ها
- به خاطری‌که
- تا
- زیرا



ذخیرهٔ لغت‌ها



۱. برادر بزرگ من شاعر است. (کلان)

۲. من همیشه به نصیحت بزرگان گوش می‌دهم. ( )

۳. اشرف شاگرد لایق است. ( )

۴. افغانستان مناظر زیبا دارد. ( )

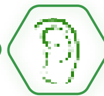
۵. خوردن میوه به صحت فایده دارد. ( )

کلمه‌ها
- پند
- قشنگ
- کلان
- ضرر
- تنبل



خوانش دوبارهٔ متن دوم



گوش دادن و صحبت کردن



سعی و کوشش: حل کردن مشکلات






نوشتن ابتکاری

حل کردن مشکلات، مهم و ضروری می‌باشد.

سعی و تلاش
زحمت
مراحل
کمک

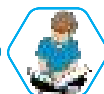
____

____

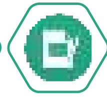
____

____

به‌خاطر رسیدن به هدف، ما باید با مشکلات مقابله کنیم.

خوانش دوبارهٔ متن ۱-۲



کلمه‌ها و جمله‌ها



الف

	✓	×
۱. هم+دل — هم دل	✓	
۲. هم+ تخته — هم تخته		×
۳. هم+سبزه — هم سبزه		
۴. هم+صحبت — هم صحبت		

ب

مترادف	مترادف
شادی	کوشش
سعی	هوشیار
ذکی	خوشی

متضاد	متضاد
راست	شادی
غم	گریه
خنده	چپ

ج

۱. من مطالعه می‌کنم. معلوماتم بیشتر شود.

من مطالعه می‌کنم (تا) معلوماتم بیشتر شود.

۲. امروز با هم‌صنفانم درس خواندم. فردا امتحان داریم.

امروز با هم‌صنفانم درس خواندم (   ) فردا امتحان داریم.

۳. من رسامی می‌کنم. به رسامی علاقه دارم.

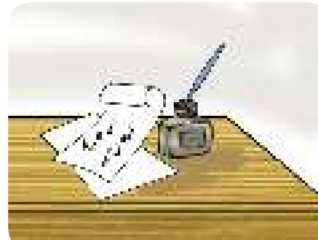
من رسامی می‌کنم (   ) به رسامی علاقه دارم.

کلمه‌ها
- به خاطریکه
- تا
- زیرا



خوانش دوبارهٔ متن ۱-۲









املا

